

# ام

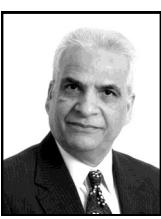
افغان مینی مارکیت عرضه کننده  
انواع مواد خوراکی وطنی

بیمه استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR,  
STATE FARM IS THERE.®

For your insurance and  
financial needs, see State  
Farm agent:  
Afzal Nasiri, Agent  
8704 Sudley Road  
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224



ماری خلیلی، افضل ناصری

خانه، موتور، صحبت



حقه نامه مردم افغانستان

شماره نهم / سال بیست و هشتم / قوس ۳۰ / دسمبر ۲۰۱۹ / شماره مسلسل ۱۰۶۵

در امریکا نزد  
\$1.50

«در دنیا یی که سیاستمدار نان را از بیگانه گدایی میکند، نان  
روسی ها حال تراست، چرا که آنان خود فروش اند نه مملکت  
فروش!»

رحمی شنبس دلاس، تکساس  
**کاکا مراد را آی-اس-آی پاکستان کشت توسط کی؟ توسط نوکران اجیرش طالبان چرا کشت؟** شرح بکار دارد، تمدنی توجه به دلیلش: از تاریخ خراسان و افغانستان پنجصد دهه می گذرد و از ایجاد پاکستان شش دهه، اسرائیل به غصب سرزمین ها و ظلم به فلسطینی ها متهم اند ولی پاکستان کشوری که غاصب سرزمینهای هندوستان و افغانستان، متجاوز، تروریست پرور، صاحب سلاح

خانم جعفری میگوید این دستگاه بسیار ساده و ارزان است که هر شفاخانه یا کلینیک صحی در کشورهای انکشاف یافته باشد. این دستگاه سرعت بسیار بالا دارد و خیلی هم ساده است، اگر تولیده شکل انبوه یعنی MASS PRODUCTION آغاز شود قیمت آن یک برینج قیمت دستگاه های فعلی خواهد بود.

شکر دخت جعفری اولین بار در سال ۱۳۹۲ خبر ساز شد،

زمانی که دانشگاه ساری بریتانیا و وزارت تحصیلات عالی افغانستان

اعلان کردند که این دانشجوی دوره داکتری از افغانستان توانسته

و سیله جدید را برای موثر ساختن تداوی از طریق شعاع RADIATION برای کمک به معالجه مريضان سرطان ابداع کرده است.

خانم جعفری در کودکی از مهره های شیشه بی برای

ساختن گردنبند های ارزان قیمت برای بدست آوردن پول استفاده میکرد. این موضوع به او ایده داد تا بتواند از آهابه منظور اندازه گیری دقیق DOSE اشعه عالجی سرطان را بسازد. مهره هایی که

خانم جعفری برای این کار استفاده کرده کمتر از دو سنت معادل

هشت افغانی قیمت دارند، در حالیکه وسایل فعلی برای اینکار به

کار گرفته میشود، هر کدام آن از پنجاه تا پنجصد دلار قیمت دارند.

او زمانی بی این فکر افتاد که تداوی سرطان از طریق

رادیوتراپی موثر بوده زیرا وسیله اندازه گیری دقیق و درست

مقدار تشخیص وجود نداشت. او گفت مريضان سرطانی گاهی شعاع

کافی و گاهی شعاع ناکافی برایشان میرسد، این نوع شعاع گرفتن

عوض اینکه مريض را علاج کند، به امراض دیگر سرطانی مريض

را مبتلا میکند. اگر علاج هم صورت گیرد به شکل موقت میباشد و

مريض دوباره به عنین مريضی یانوع دیگر مرض سرطان سرد چار میگردد.

نتایج تحقیقات او بعد از شش سال نتیجه میدهد و آرزو

دارد که با توجه به کم مصرف بودن این دستگاه کشورهای فقیر

و در حال توسعه و سازمانهای بین المللی مانند سازمان بین المللی

انرژی اتمی توانند این روش ارزان و موثر جهت کنترول

تداوی اشده بی یا رادیشن استفاده کنند.

**زنگینی از خانم جعفری:** خانم جعفری متولد ولسوالی سنگ تخت ولایت دایکنندی افغانستان است. کودک خردسالی بود که با خانواده اش در سال ۱۳۶۲ خورشیدی به ایران مهاجر شد.

شکر دخت در سال ۱۳۷۵ وارد دانشگاه علوم طبی تهران در شرکت تکنالوژی رادیولوژی شد. لیسانس خود را از دانشگاه علوم طبی تبریز ایران در سال ۱۳۷۵ گرفت. در سال ۱۳۸۳ همراه همسر و فرزندش به افغانستان برگشت و در دانشگاه طبی کابل بحیث استادیار شروع بکار کرد. علاوه بر تدریس، او در بخش های رادیولوژی در شفاخانه کودکان فرانسه در کابل مصروف کارش داشت و در ضمن نمایندگی وزارت تحصیلات عالی افغانستان را در کمیسیون مستقل از این روش ارزانی کشوریزی بهره داشت.

شکر دخت در سال ۱۳۸۹ با بورسیه سازمان بین المللی

انرژی اتمی افغانستان برای گذراندن دوره تخصصی در رشته

فزيک طبی وارد دانشگاه ساری بریتانیا شد. پس از اکمال این دوره

به دلیل نتیجه عالی توانست بورس دوره داکتری این دانشگاه را نیز بدست آورد.

او دوره تحصیلات خود را در مرکز فزیک هستی و تنشی در رشته RADIONUCLIDES در تاریخ ۲۰۱۲ توانست یک سیستم بسیار ساده و قابل دسترس DOSIMETRY را معرفی کند که مشکلات فنی سایر دستگاه های مشابه موجود در بازار را نداشت.

خانم جعفری با استفاده از مهره های شیشه بی بسیار ارزان

قیمت بعنوان دوزیمتری اورا فوق العاده خوشحال ساخت،

خوشحال از این خاطر بود که به نتایجی دست یافته بود که با گرانترین

سیستم های دوزیمتری که صدها هزار دالر قیمت دارند امکان

پذیر نیست. او افروزد که باتلاشهای شب و روز تمام آزمایشات اولیه

را تکمیل نموده و در کنفرانس های بین المللی به شکل مقالات علمی

تقدیم کرده بود.

خانم جعفری گفت: برای تسهیل کار، یک سیستم (خوانش

تمام عیار اتوماتیک) A COMPLET AUTOMATIC READING

طریقی کردم که کاریک روزه رادر ظرف نیم ساعت انجام میدهد و

آنرا به کمک دانشگاه ساری بریتانیا به ثبت رسانیدم، و از بول آن که

مبلغ پنجاه هزار پوند در سال ۲۰۱۶ از طرف (جایزه زنان نوآور)

در بریتانیا نصیب شد. یک انجینیر را استخدام کردم، یکسال طول

کشید تا نمونه اولیه آن ساخته شود، سپس یک سرمایه گذاری را

پیدا کردم که این نمونه اولیه را به شرکت نوآوری به اس مورگان

بدهد تا دستگاه را بطور صنعتی یاتجاری تولید و به بازار عرضه کند.

یگانه مغازه افغانی  
در منطقه واشنگتن بزرگ  
که تازه ترین مواد خوراکی، میوه های  
فصل، نان های تازه وطنی، روت ها،  
میوه های خشک تازه وارد از  
افغانستان، و گوشت های تازه مرغ،  
بره، گوسفند، گوساله و گاو را با  
بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd. Springfield, VA  
22150  
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

استاد امیر کیفی انتیاک، کالیفورنیا

## اختراع خانم جعفری به بازار عرضه شد

خانمی به اسم شکر دخت جعفری از ولایت دایکندي افغانستان موفق به اختراع آله شده که در تداوی سرطان استفاده میشود. نام این دستگاه دوزیمتری DOSIMETRY است که شعاع یا تشعاعاتی که برای مريض سرتانی داده میشود به سطح بلند



و مناسب اندازه گیری می نماید.

بانو داکتر شکر دخت جعفری

خانم جعفری که خود مبتلا به سرطان است و پدرش نیز در اثر سرطان وفات کرد، امیدوار است که دستگاه جدیدش برای مريضان سرتانی مفید واقع شود. این خانم برای ساختن این دستگاه از مهره های ساده شیشه بی استفاده کرده است. او میگوید با بکار بردن این دستگاه میتواند سرطانی اشعه هایی را که مريضان سرتانی در زمان رادیوتراپی دریافت میکنند، بادقت خیلی بالا و در وقت و زمان مناسب اندازه گیری کند.

خانم جعفری گفت: «ساخت ماشین اتومات خوانش DOSIMETRY که از مهره های شیشه بی ساخته بودم به حقیقت پیوست و اختراعم به ثبت رسید. موفق شده به این مرحله کار آسای نبود، طی یکسال گذشته با بیماری سرطان دست و پنجه نرم کردم و ضمناً دوران حاملگی فرزندم را می گذراندم.»

داکتر شکر دخت جعفری آرزو میکند که این دستگاه کاش در دوره معالجه سرطان خودش استفاده می شد. ولی در ماه جون امسال که خودش تحت تداوی بود، این ماشین هنوز مورده تایید بورد پزشکان بریتانیا قرار گرفته بود و تیم معالج موصوفه از آن برای تداوی خودش کار گرفته نتوانستند. او افزود در تحقیقات دوره داکتریش در سال ۲۰۱۲ توانست یک سیستم بسیار ساده و قابل دسترس DOSIMETRY را معرفی کند که مشکلات فنی سایر دستگاه های مشابه موجود در بازار را نداشت.

ساخت دستگاهی با استفاده از مهره های شیشه بی بسیار ارزان قیمت بعنوان دوزیمتری اورا فوق العاده خوشحال ساخت، خوشحال از این خاطر بود که به نتایجی دست یافته بود که با گرانترین سیستم های دوزیمتری که صدها هزار دالر قیمت دارند امکان پذیر نیست. او افروزد که باتلاشهای شب و روز تمام آزمایشات اولیه را تکمیل نموده و در کنفرانس های بین المللی به شکل مقالات علمی تقدیم کرده بود.

خانم جعفری گفت: برای تسهیل کار، یک سیستم (خوانش تمام عیار اتوماتیک) A COMPLET AUTOMATIC READING طریقی کردم که کاریک روزه رادر ظرف نیم ساعت انجام میدهد و آنرا به کمک دانشگاه ساری بریتانیا به ثبت رسانیدم، و از بول آن که مبلغ پنجاه هزار پوند در سال ۲۰۱۶ از طرف (جایزه زنان نوآور) در بریتانیا نصیب شد. یک انجینیر را استخدام کردم، یکسال طول کشید تا نمونه اولیه آن ساخته شود، سپس یک سرمایه گذاری را پیدا کردم که این نمونه اولیه را به شرکت نوآوری به اس مورگان بدهد تا دستگاه را بطور صنعتی یاتجاری تولید و به بازار عرضه کند.

بلی! این است الگوی علم و معرفت. خانم جعفری مربوط به قومی در افغانستان است که در طول تاریخ معاصر کشورمان مورد ظلم و ستم رژیم های متعصب و قوم پرست و حکومت شد. تاکنون هیچ حقوقی این بزرگترین مشکل را ایجاد خواهد کرد و همچنان مشکل دیگر حقوقی این خواهد بود که اگر در آینده افغانستان طرفیت استفاده از منابع آبی اش را پیدا کند در آن صورت قرارداد با پاکستان اجازه نخواهد داد که افغانستان طبق میل خود از آب شناختن خط دیورند است.

اگر افغانستان قرارداد تقسیم آب را با پاکستان امضاء کند

در گام نخست باید یک نقطه را به عنوان سرحد تعیین کند و این

عنی افغانستان خط دیورند را به رسمیت می شناسد. تاکنون هیچ

حکومت افغانستان این خط را به رسمیت نشناخته است و از

راست و ایجاد خواهد کرد و همچنان حقوقی این شدند، به مراکز تعلیمی عسکری و دانشکده های

حقوقی و اقتصاد راه نداشتند.

امروز خانمی از این قوم شریف در رشتۀ طبایت و سایلی

اختراع میکند که در جهان به میلیونها دالر برای تحقیق تداوی

سرطان به مصرف میرسد که تاکنون علاجی به این مرض

خانمان سوزندار ک دیده نشده است. خوشابه حال خانم جعفری که

با خانم اسحقی نام افغانستان ویرق مان را بلندداشتند است. (از منابع

انترنتی)

خواب غفلت بروند، سفرها میکنند، مهمانی های مجلل نصیب  
میشوند و در هوتل های لوکس بودویا ش میداشته باشند اما غافل  
از یکه اینها همان دشمنانی اند که در مقابل شان جنگیده اند و در  
انها عقده تولید کرده اند. شما دشمن شان بودید. آنها دشمن را  
بزودی فراموش نمی کنند؛ طالب را برای مقصد خود استعمال  
میکنند نه برای خیر طالب و نه خیر مردم افغانستان...لطفاً بیدار  
شو بد!

گیا پ دوام داده می‌گوید: فرانسه موافقتنامه را با چین امضا کرد. قسمیکه اشاره کردم اصلاح متحده و بریتانیای کبیر طرفدار فرانسه شدند ما تقریباً تنها ماندیم، اگرما مقاومت میکردیم همه این قدرتها بضد ماعمل میکردند (فکر میکنم استادان پاکستانی طالب‌ها ازین مقوله تاریخی باخبر بودند و آنها را با امریکا، روس، ایران و چین وهند آشنا ساختند تا در آینده به ضدیت شان نپردازنده ولی گمان نمی‌کنم که این سیاستمداران به وعده‌های خود با وفا بمانند). همچنین حرکت انقلابی ما همگانی و با متفق آراء نیست. اکثرآ مقاومت را جدی نگرفتند. اگر مقاومت را دامنه دار می‌ساختیم انها دور می‌شدند و روحیه مقاومت تبخیر میکرد. (اگر طالب دوام دهد نه تنها این دو رویداد رخ خواهد داد بلکه اکثرب افراد شان کشته خواهد شد و هم سربازانتحاری پیدا کرده نمیتوانند زیرا مردم اکنون درک کرده اند که به تاحق و با وعده دروغین فریب داده اند) در یک برخورد نظامی عساکر خود را از دست میدادیم و حتی مملکت خود را از دست میدادیم و تنها یک منطقه خورد برای ما میماند. اگر مقاومت میکردیم شجاعانه و قهرمانانه میبود ولی مردمان ما متحمل مشقات و سختی و صدمات جبران ناپذیر میشدند؛ نتیجه مطلوب بدلست نمی‌آوردیم. (اکنون میدانیم که چرا طالب با امریکا مذاکره را در میان گذاشت. امریکایی ترامپ پول نمیدهد، ایرستان چون مشکلات خود را دارد پول نمیدهد، دولت هم عسکرقوی و طنادوست و جنگی و منابع سرشار دارد. ولی طالب جز انتشاری و زوال خود چیزی دیگر در افق تظلم خود نمی‌بیند). سخنرانی گیا پ مثال خوبیست که نشان میدهد چطور یک

لیدر مستعد را بطری خود را با مردم خود قایم میسازد، چگونه ذهن مردم خود را در ک میکند، چطور برای فقاعت شان دلایل عرضه مینماید و شفاف عمل نموده کوتاهی خود را از مردم خود پنهان نمیکند. این درک و این احساس قدرت او بود که نفوذش را در قلوب و مغزها جا داد؛ چون برای مردم درین مردم و از بین مردم برخاسته بود. در افغانستان که لیدر نداریم سبب ان ایست که از خود مردم واز بین مردم لیدران نیامده اند؛ آنها یکه از اروپا و امریکا بر شانه های مردم تحمیل شده اند لیدرهای ساختگی اند که امریکا و انگلیز و جرمی و پاکستان و ایران و روس از آنها لیدران کاغذی ساخته اند و حتی بعضی شان را کشمکش لقب داده اند. و چون عشق قلبی و ضمیری به مملکت ندارند در اکثر جوامع ملی و بین المللی حتی از بزان آوردن کلمه افغانستان خجالت می کشند. هرچیز و هر جا مناسب باشد و یا نباشد باید «افغان» گفته شود چون برایشان تدریس شده که این بهترین پالیسی «تفرقه انداز و حکمرانی کن «میباشد. یعنی عوض ملت افغانستان، حکومت افغانستان، مردم افغانستان، سفارت افغانستان؛ ملت افغان، حکومت افغان، مردم افغان و سفارت افغان اظهار میدارند که شرم آور است. به اینصورت آنده کسانیکه خود را افغانستانی یا جزء کنله مردمان افغانستان نمیدانند با افغانستان چه سرو کاری دارند؟ آنده لیدران وطندوست و مجاهدین حقیقی را که از ته دل برای پیشرفت و آبادی و رفع مناقشات مساعی بی شائبه داشتند ترور کردند و ازین بردندا تا مفسدین و نوکران خود را جهت فروش سرزمین افغانستان با ثروت زیزیمنی چندین تریلیون دالر آن بر اریکه قدرت تکیه دهندا تا درب دزدی شان باز بماند.

از نیجاست که ویتنام امروز با لیدران شایسته و خوب خود یکی از پیشرفته ترین ممالک جهان هم درآبادی کشورهای در تکالو جی شناخته شده است. نام ان لیدرانها بخط زرین نوشته شد و ازین لیدرانی کاذب و خاین چون ورق سیاه در لابلای اوراق قاتاً بع افغانستان، دام ثبت و هنفه، خمه اهد ماند.

**گیاپ گفت:** در سال ۱۹۴۵ م ما مستقل بودیم ولی هیچکس استقلال ما را نشاخت. نشست های ما با فرانسه تنها درب شناخت بین المللی را برای ما باز نمود (کنفرانس طالب با امریکا تا حدی برایشان درب بین المللی را باز ساخت). ما میدانیم که به اراده نیک چین حساب کرده میتوانیم. چین و ما مانند لب و دندان استیسه (طالب هم خود ۱ با یا کستان حنف: فک میکنند...!).

ادمیرال آرجینلو، بضد موافقتماهه بین ویتنام و فرانسه بود که جنرال لوکلیر با مذاکرات طویل و نفیل به آن نایل آمده بود. او واضحاً بروز هشتم مارچ ۱۹۴۶ جنرال لوکلیر را خطاب نموده گفت: «من تعجب میکنم! بلی من تعجب میکنم! که فرانسه چنین یک قوای با شهامت و جنگی دارد ولی چیز آن عوض جنگ، گپ می‌زند و مذاکره می‌کند!»<sup>۲</sup> (دنباله در صفحه هفت)

هوچی من نظریه تحولاتی که رخ داد وقت نیافت تا موافقه همه احزاب را بدست بیاورد. ولی ویت من وقت راضایع نساخت در بعداز ظهر ۷ مارچ با اتحاد جمع غیری در برابر تیاتر جاییکه هوچی من و حکومت او دلایل امضا کردن پیمان را تشریح میکردند شرکت نمودند. تقریباً صد هزار نفر جمع شده بودند، گیاپ که نام مکمل آن *Nguyễn Giáp* است بحیث بزر گترین ستراتیژیست نظامی اوایل قرن بیست شناخته شده است در چندین عملیات نظامی و کفرانس های تاریخی شرکت نموده یک ژورنالیست مجرب هم بود که مضامین زیاد در قید تحریر درآورده است. تعلیمات نظامی نداشت معلم تاریخ در اکادمی فرانسوی زبان بود و بحیث وزیر داخله هوچی من، قوماندان نظامی ویت من (حزب کمونست هوچی من)، قوماندان عسکری مردم ویتنام و وزیر دفاع و بنام ایفای وظیفه نمود (در ۱۹۱۱ آگوست ۲۵ م ۲۰۱۳ به عمر ۱۰۲ سالگی وفات یافت) رشته تولد و درسال کلام را به کام زبان گرفت.

شهید احمد شاه مسعود قهرمان ملی افغانستان یکی از بزر گترین لیدرهای گوریلای قرن بیست شناخته شده است و با جوسف بروز تیتو، هوچی من و شیگووارا اورا مقایسه نموده اند و من در این لست اسم گیاپ را اضافه میکنم.

درین اجتماع عظیم، گیاپ اولتراز همه اقرار نمود که: اکثر مردم بضد این موافقتنامه بوده تعجب کرده اند که چطورو اولین کار حکومت امضای پیمانی باشد که چنین طرحی را در برداشته باشد؟ بعد باخطابه جذابی که چرا حکومت مجبور به امضای چنین پیمان شد شروع نموده گفت: «قبل از هر چیز دیگر، در عرصه بین المللی یک قوه مارا بسوی مقاومت میراند و وقت دیگر مارا مجبور میساخت که از خشونت دست بکشیم» متناسبانه اکنون این عمل در افغانستان در جریان است قوت های متفاوت خارجی میخواهند انتخابات را به نفع خود بچرخانند ولی مردم در قرن ۲۱ (بیدار شده اند) به گفتار خود دوام داده گفت:

امريكا جانب فرانسه و انگريزها را گرفت. نظر به مقاومت قهرمانانه، قوای ما در هر جا شجاعتمانداه بدون ترس و وهم جنگيدند و توانيستم که کنفرانس مقدماتی را برگزار سازيم. در آن کنفرانس يك تعداد شرايطي بود که ما به آن قانع بوديم و هم شرايطي بود که ما قناعت نداديم و پذيرش آن برای ما لذت يك مملکت آزاد شناخت. آزادی، خود اراديت نیست؛ زياد تر از بخش بود. ولی فرانسه جمهوریت ديموکراتیک و يت نام را بحیث «خود اراديت» است اما استقلال نیست. يکبار که آزادی حاصل شد بعد ما برای استقلال به مبارزه مبیردازیم و تاکه به استقلال کامل نرسیم این مبارزه دوام خواهد یافت (چک چک های بسیار بلند). و یتنام آزاد! حکومت دارد، پارلمان دارد، سرمایه گذاری دارد، بعبارة دیگر تمام وظایف امور داخلی ما بدست خود ماست. همچنین ما قوای نظامی خود را خواهیم داشت که میتوانیم انرا نگاه کنیم و قوت های خود را از دیابد بخشیده و سعت دهیم (طالب ظالم هم به همین فکر است و فکر میکند ISI پاکستان زمینه را برای شان مهیا میسازد). فرانسه میخواست کوچینچین را نگاه کند ولی حکومت ابلاغ نمود که اگر هر يك از KYها از هم جدا شوند ما تا دم آخر مقاومت خواهیم کرد (طالب ادعا دارد: آنچه میخواهیم داده نشود تا صد سال جنگ می کنیم.

تقاضای وینتامی ها قاعده اساسی مردمی داشت واز طالبها سست و بی بنیاد مردمی بوده در ریشه خود تیشه میزندن). در آخر نماینده فرانسه وعده داد که اتحاد هر سه KY ها از طرق ریفرنندم فیصله خواهد شد. مامیدانیم که نتیجه ریفرنندم چه خواهد بود (گیاپ از موقیت خود در ریفرنندم متین بود. بر عکس طالب در ریفرنندم میباشد). آیا هر کس در ویت نام نمیخواهد که انام، کوچینچین و تونکین یک مملکت باشد؟!! (چک چک های کر کننده).

گیاپ به گفتار خود دوام داده اظهار داشت: اکنون  
بیایید درباره آن مواردی که موافق نبودیم سخنی به عرض رسانیم.  
اول- در پیمان، خلع سلاح قوای عسکری جاپانی توسط قوای  
عسکری فرانسه بود. در موافقنامه بسیار موارد برخلاف خواسته  
های ما بود؛ ولی امضا شد. با وجودیکه میدانستیم وینتامی ها آنرا  
بصدق ما استعمال نموده سوء استفاده میکردند، ما باید این تصمیم را  
می پذیرفتیم. سوال پیدا میشود که چرا حکومت به قوای  
فرانسوی اجازه دخول به وینتام داد؟ حتی اگر ما موافقه هم  
نمیکردیم آنها بر میگشتنند. چین همراه فرانسه یک پیمان امضا کرد  
که در اثر آن قوای فرانسه جای قوای چین را میگیرد. فرانس هم  
درین قسمت با از خود گذری ها ضرر زیاد دید. روی این دلیل  
بود که ما با برگشت فرانسه موافقت نمودیم و رنه پیمانی با چین  
نمی داشتیم. آنها یکه موافق نیستند معنی استقلال تام را نمیدانند  
و آنرا فقط تبصره روی کاغذ می انگارند. زمانی است که ما باید  
قایم مقام پا بر جا بایستیم و هم وقتی میرسد که ما باید کمی عقب  
نشین باشیم..... ما مقاومت را نخواستیم مدت بیشتر دوام دهیم زیرا  
موقف بین المللی به مفاد ما نبود.  
طالبها در مرحله که هستند دوبار باید فکر نمایند و تعقل

دکتر غلام محمد دستگیر  
بروفیلde، کولورادو

## مشابهت اوضاع سیاسی قرون ۱۹ و ۲۰ و یعنی نام با افغانستان امروز (بخش سوم)

خوشبختی اگر خواهی، از خواب گران برخیز!  
همگام ز جهد خود، با دور زمان برخیز!  
از موج خروش آموز، آماده طوفان باش  
چون سیل هجوم آور، آری تو چنان برخیز!  
در روشنی عرفان، بر جهل و شفاقت تاز  
در رشته ای علم و فن، فوق همگان برخیز!  
از صاعقه سبقت گیر، بر تیرگی غالب شو  
چون رعد ز سوزدل، فریاد زنان برخیز! (الحاج سیدامیر انصاری،)

در قسمت اول از قدامت تاریخی و بنام همزمان آرایانی می‌شد. از کالونی ساختن و بیت نام توسط فرانسه و تهاجم جاپان و هم برادران شورش تایسن و آل یعنی معلومات مختصر عرض گردید. مثالهای متعددیکه روش ظالمانه ای طالب را مشابه داشت افگنی و بیت من نشان میداد نگاشته شد.

در قسمت دوم از تاسیس کاودایست ها توسط متصدیان فرانسوی چون یک مذهب جدید بضد فعالیت کمونتهای جوان توسط فرانسوی ها و مثالی از فعالیتها بی دیوبندی با شعار «سن و جماعت» و «ومدرسه العلوم با شعار» علم الانسان ما لم یعلم «معرفی گردید. حزب ملی و بیت نام به چین عقب نشینی نمود تا بمقابل فرانسه از آنجا به مبارزه آغاز کند. جاپان خموشانه به و بیت نام هجوم میبرد و امپراطور قدرت را ازدست میدهد، ولی جاپانی ها اورا بحیث سرپرست نگاه میکنند. هوچی من حرکت ملی به نام خالص «و بیت من «جهت جنگ با فاشیست های جاپانی و فرانسوی اعلان میکند و فرانسه هم به دیسمبر ۱۹۴۱ از لندن به جاپان اعلان جنگ میدهد و جنگ اول هندو چین به راه میافتد. و بیت من، به شمال در تونکین بعد از خلع امپراطور به قدرت میرسد و امپراطور رضا کارانه به فرانسه خود را تبعید مینماید تا موانعی برای فعالیت و بیت من ایجاد نگردد. در حکومت و بیت نام، تحت ریاست جمهوری هوچی من مشکلات عدم کارمندان مجرب در ک میگردد زیرا همه دانشمندان را محبوس ساخته بودند. چین با چهار قشون خود به شمال و بیت نام (تونکین) هجوم میبرد و هوچی من آنها را آغوش باز استقبال میکند. درینوقت فاقگی به حد اعلا میرسد و اجنت سیاسی چین به حیث مشاوره هوچی من مانند مشاورین روس برای کمونست افغانستانی و مشاورین پاکستان برای طالب ها، عرض اندام میکند. واما کمکی که هوچی من از چین توقع داشت میسر نگردد. در اثر سهل انگاری جاپانی ها انامی ها شهر «هیرالت» را به تصرف میآورند و قتل عام و اختطاف بوروایشین ها را ظالمانه انجام میدهند. جنرال فرانسوی جهت مقابله با و بیت من به سایگون میرسد که بعد آ با قوای مجهز «جکی ماسو» تقویت میآید. درین وقت در شهر هانوی قانون نبود هر کس مانند قوماندان و زور سالاران ما قوای ضربی و چورچاول داشتند. و بیت من اخیرین استحکام خود را ازدست میدهد و مجبور به جنگ های گوریلایی میشود. در عین زمان و بیت من برای فرانسوی ها امتیازات کلتوری و اقتصادی مشروط براینکه به و بیت من به سایگون میرسد که بعد آ با قوای مجهز «پیشنهاد میکنند مثلیکه طالب ظالم «مارت» میخواهد. در سایگون رئیس محکمه محل ملاقات بین انامی ها و فرانسوی ها تاسیس میکند؛ که امریکا هم عین عمل را در قطب رای ملاقات خود و طالب به میان آورده است. فرانسه با چین موافقت نامه امضای میکند و «حکومت اتحادیه مقاومت» بریاست هوچی من و کابینه ای ده عضوی روی کار میآید و امپراطور مخلوع بحیث مشاور ارشد پذیرفته میشود. با این پیمان چینیایی ها از و بیت نام خارج میشود. جایشان را فرانسوی ها میگیرد تا بعد آ فرانسوی ها در تخلیه ای جاپانی ها که در جنگ عمومی دوم شکست فاحش خورده بودند و بیت نام را کمک نمایند و بالآخره و بیت نام با فرانسه «حق خود ارادیت» خود را در میان بگذارد. هفته ها مذاکره برای طرح یک پیمان بین فرانسوی ها و و بیت نام روی موضوع خود ارادیت دوام پیدا میکند؛ تا اینکه فرانسه حاضر میشود برای و بیت نام حق خود ارادیت را در فیدیریشن هندو چین و اتحادیه ای فرانسه زیر چتر پیمانی که بنام «پیمان بین فرانسه و جمهوریت دموکراتیک و بنام» یا «موافقت نامه هوچی من و سنتینی «بایدشده، و عده میدهد. این پیمان به تاریخ ۶ مارچ ۱۹۴۶ در هانوی به امضای طرفین رسید و اکنون میرویم به بحث خود در قسمت سوم تادوام معاملات را تعقب کنیم.

یک عسکر امریکایی که از ذکر نامش خودداری کردمی گویید: زمانیکه من در افغانستان ایفای وظیفه میکردم من یک صاحب منصب افغانی را دیدم که با یک پسر نابالغ که ممکن ۱۴ یا ۱۵ ساله بود ارتباط جنسی داشت و شب درسترا با او یک جامی خواهد. این صحنه بر روح و روان من تاثیر منفی کرد که کسی آن صاحب منصب را مجازات نکردو حق آن قربانی را حصول ننمود، در دنکتراینکه پساناخبر شدم که پدر آن پسر ک راطالبان کشته بود و او یک پسر بیتی بی سرنوشت بود. این عسکر امریکایی که فعلا تحت تداوی اختلال روی است می گوید «این بخاطری برمن تاثیر شدید منفی کرد که من به چشم سرمدیدم که به حق آن پسر ک بقیه نا بالغ تجاوز منفی میشو دومن چیزی کرد نه نیتوانم. آنرا دیدم که به این مسایل رسیدگی کنیم، او شخص کلان است با نفرهای کلان ارتباط دارد!»

نقیصه بزرگ دیگر دراردو عدم توجه به پرداخت معاش به موقع عسکر میباشد. عسکر بعضا به ماها معاش داده نمیشود و عدالتا به آنها دادت داده نمیشود که در بانک صورت حساب داشته باشند و معاش آنها مستقیما وارد آن حساب میشود واعضای فامیل شان میتوانند از آن حساب با نکی استفاده کرد پول بشکند. ولی عسکر شکایت دارند که معاش شان به فامیلیهای شان نمیرسد. عسکر میگویند که ما در خط اول جبهه میباشیم که تلفون از خانه میگیریم، خانم یا پدر یا مادر ما میگویند که معاش رانگرفته ایم مانند نداریم، به با نک رفیم گفتند که در حساب با نکی شما پول وجود ندارد! این مسئله نگرانی های زیادی را در میان عسکر تولید کرده و بالای فعالیت های محاربی شان تاثیرات منفی بجا گذاشته است. / (دبیله دارد)

\*\*\*\*\*

طی ده های گذشته با وجود خروج تدریجی نیروهای خارجی ائتلاف بر بھری امریکا، شارحات هوایی افزایش بافت، حملاتی که اکثراً دقیق نیستند و منتج به تلفات چشمگیر غیر نظامی و ملکی میشوند. زندانیان طالب میگویند که تحولات جبهه جنگ میتوانند زمان جوان را بر می انگیزند تا طالبان پیوندند، اما در زندان هم به آتش کینه آنها دامن زده میشود. فکر میشود هر برانی از مانند مولوی ایشان از ماقوف های شانرا از ماقوف هایشان حتی از هبت اللہ آخوند رهبر کل طالبان دریافت میکنند و آموزه های آنها مستقیما به زندانیان انتقال میدهند.

وقتی که مذاکرات صلح جریان داشت، خبرش در زندان باشیاق دنبال میشد. ملا سلطان یک تن دیگر از زندانیان طالب میگوید: مامیدانیم که خارجی هاسته شده اند، ما اعتقاد داریم که به زانو در آمدۀ اند بزودی از اینجا خواهند رفت، ما افغانها زیرلوای شریعت اسلامی در کنار هم زندگی خواهیم کرد.

زندانیان طالب از امتیازات بیشتری نسبت به محکومان دیگر برخوردارند، مثلا خودشان بر نامه روزانه خود را تنظیم میکنند، مدرسه دینی زندان را مدیریت می کنند و دسترس بیشتری کامل دارند.

سالها زیستن در زندان که گفته میشود اختناق آور است، رفتار زندانیان را تند ترمیکند، بعضی از آنها آزاد شده و عده بیشمار دیگر قرار است که بزودی رها شوند. اشرف نی احمدزی گفته که ۸۸۷ تن آنها را آزاد میکند. چندی قبل سه نفر از زندانی خطرناک را در عرض رهایی دوستاد دانشگاه امریکایی کابل آزاد ساخت. تمام این نوع حرکات از جانب حکومت افغانستان به نحو حُسن نیت تلقی شده که طالبان حاضر شوند در مذاکرات صلح با حکومت افغانستان تماس مستقیم بگیرند، در حالیکه طالبان این حکومت را غیر مشروع و دست نشانده می شمارند و تا کنون به رسمیت نشانخته اند!

دوسال از حکومت مولوی باری باقی مانده، اوت صمیم دارد که بعداز آزادی به جهاد ادامه دهد. او میگوید: وقتی که از بینجا بیرون بروم به هم قطاران خودمی بیو ندم. قبل از درصد به جهاد معتقد بودم ولی اکنون ۱۰۰ درصد متعهدم که به جهاد و دفاع از وطن ادامه دهم. !

\*\*\*\*\*

## اصلاحیه ضروری

هموطنان ارجمندی که کتاب خاطرات معلمان و شاگردان لیسے رابعه بلخی را خریده و در اختیار دارند، لطفا اصلاحیه ذیل در کتاب وارد بسازند : نام فضل احمد بجای غلام رضا را در صفحه ۲۷ آن کتاب، در متن خاطره داکتر تمیله سراج کوشان تصحیح بفرمایند. متشرکم .

## توظفه های کرزی و احمدزی ...

تأثیر کرده و سبب تولید فساد مزمن و علاج ناپذیر اداری شده، قوای مسلح را نیز متاثر ساخته و ماهیت آنرا تغییر داده است. فساد اداری، رشوه و خوبی خوری به اندازه درقوای مسلح زیاد است که اکنون بحیث یک واقعیت قبول شده است و لطمہ شدیدی به موثریت قوتهای عسکری وارد نموده است.

اکثریت صاحب منصبانی که در مقامات بلند و تصمیم گیری قوای مسلح قرار دارند از جمله کسانی اند که غنی احمدزی شخصاً آنها در آن مقامات نصب کرده و سازی شدن دال را میکنند آنها بایه پیراهه کشانیده و برخی از آنها در صدد ثروتمند شدن، رفتن به امریکا و حصول ویزه امریکا برای خود فایل خود می باشدند.

فساد اداری و تلاش به ثروتمند شدن در این صاحب منصبان به حدی است که در جزو تمام عسکری چیزی بنام عسکر خیالی ایجاد کرده است. عسکر خیالی کسانی اند که نام شان در لست عساکر درج است، معاش ماهانه شان حواله میشود، خوراک، لباس، بستر خواب و دیگر ضروریات قابل خرید به آنها داده میشود ولی خود ایشان وجود فزیکی ندارند، هر آنچه که بنام شان از جمله معاش ماهوار حواله میشود به خریطة صاحب منصبان معلوم الحال که اکثرشان در مقامات بلنداردو قرار دارند میریزد. این صاحب منصبان مستقیماً توسعه سر قوماندان اعلی اردو (غنی احمدزی) مقر را شده اند و فرمان اشرف غنی (احمدزی) رئیس جمهور موجوده .

در زمان ریاست جمهوری حامد کرزی نیز عده بیشماری از زندانیان طالب آزاد شده بودند. علت آزادی زندانیان طالب این بوده که

حسن نیت دولتی را به نمایش بگذارد که از مذاکرات صلح به اتفاق است. انتیاک ، کالیفورنیا استاد امیر کیفی گزارشی از زندان پل چرخی بی بی سی گزارشی را از زندان پل چرخی به نشر سپرده که قسمت هایی از آن بر این طبقه مطلع شده اند، اکثرشان امیدوارند که بعداز آزادی از زندان به جبهه چنگ برond و وظیفه ایمانی خوبی را ادا کنند !

زندان پل چرخی در حومه کابل در محاذیر دیوارهای سنگی عظیم حکم است که بالایشان سیم خاردار کشیده شده و دارای برج های مراقبت متعدد و دروازه های عظیم فولادی دارد. ازده هزار زندانی آن یک پنجش طالبان اند، طالبان یعنی گروه شورشی اسلامگرای تندرو افغانستان .

مولوی فضل باری زندانی طالب میگوید که جنگجو بدینی نیامده اما بعداز پنج سال زندگی در این زندان، هیچگاه تا این اندازه آماده مردن نبوده است: «خیلی در مانده ام، هیجوقت فکر نمیکردم که بتوانم با یک موثر بمیگذاری شده عملیات انتشاری کنم ولی حال به خداوند قسم که میکنم!» مولوی باری فعلا در قسم مراقبت شدید امنیتی زندان بسیاری از زندانیان افغانستان است که عده زیادی از طالبان را آزاد کرده، البته به هدایت و فرمان اشرف غنی (احمدزی) رئیس جمهور موجوده .

در زمان ریاست جمهوری حامد کرزی نیز عده بیشماری از زندانیان طالب آزاد شده بودند. علت آزادی زندانیان طالب این بوده که حسن نیت دولتی را به نمایش بگذارد که از مذاکرات صلح به احشای رانده شده است.

هدف دیرپای طالبان بازگردانید امارت اسلامی به افغانستان

است، رژیمی که شرع یا قانون اسلامی و مقرراتی سختگیرانه را به اجرا بگذارد. در زمان حکومت طالبان در بین سالهای ۱۹۹۶-۲۰۰۱ دیده شد که حقوق زنان محدود و مجازاتی چون سنگسار و قطع اعضای بدن به معرض اجرای قرار گرفت.

زندانیان طالب در پل چرخی بصراحت ازانگیزه هاو شکایتهای شان استعمال دخانیات و مواد مخدور درین عسکریه اند اکراه حرف میزنند اما از گفتگو در باره فعالیتهای خاص شان داشتند، ولی همیدانیم که مولوی باری پانزده سال قبل به گروه طالبان پیوست و دروازه های هیرمند قوماندان طالبان شد و بانیروهای دولتی در آن منطقه جنگید. اتفاق کوچک مولوی باری پر از اعضای طالبان است، صفحه زندانیان تاره را ادامه دارد. برخی در دهیزها بستر اندخته اند، برخ دیگری از چپ کتاهای سه طبقه بی به پایین نگاه می کنند. یک زندانی مسن روی زمین نشسته با تسبیح مدام ذکر می کند، فرشها و بالشهای سرخرنگ روی زمین دیده میشود و روی دیوارها پوسترهای متعدد از مکانهای اسلامی چون مکة معطعمه و مدینه منوره نصب شده. آنها طوری تنظیم کرده اند که بی آور بیهست باشند. این بازتابی از ایمان بینادین آنها به اینکه اگر در جنگ کشته شوند را با جنت میروند. در کنار دیوارهای اتفاقهای شان کتب قطور اسلامی به نظر میرسد. مولوی باری شروع به عظیمه میکند و همه چشمها بسوی او خیره میشوند. وی قبل از عالم دینی بوده و بهمین دلیل زندانیان دیگر برایش احترام زیاد قایل اند. او میگوید: بدانید تا وقتیکه یک عسکر خارجی در افغانستان هست، صلح ممکن نخواهد شد.

طالبان در زمان حکومتداری شان از تسلیمی بن لادن به امریکا امتناع ورزیدند، لذا رئیس جمهور بوس (فرزند) به افغانستان حمله کرد و حکومت طالبان را تار و مار نمود و بن لادن غیب شد که بعد از در زمان او باما در پاکستان به قتل رسید. طالبان به حمایه پاکستان و بعضی کشورهای خلیج فارس دوباره سر بلند کردند و تالمازو رکه حدود نزده سال میشود با امریکا دست و گریبان هستند. امریکا این جنگ را در ازای ترین جنگ میشمارند و در صدد یک توافق صلح با طالبان می باشند. در سپتامبر امسال ۲۰۱۹ رئیس جمهور دونالد ترامپ قرار یاد توافقنامه را طالبان اضلاع کنند، اما بعد از اتفاق جاری در کابل جان یک نظامی امریکا امتناع مسئولیت آنرا بدوش گرفتند، موضوع قرارداد صلح به تعویق انداخته شد. امریکا و عده کرد که در ظرف پنج ماه نخست پس از امضای توافقنامه شمارنیرهایش را از اینجا خواهد شد. اینجا نیز میگوید: بدانید توافقنامه شمارنیرهایش را از اینجا خواهد شد.

طالبان در زمان حکومتداری شان از تسلیمی بن لادن به امریکا امتناع ورزیدند، لذا رئیس جمهور بوس (فرزند) به افغانستان حمله کرد و حکومت طالبان را تار و مار نمود و بن لادن غیب شد که بعد از در زمان او باما در پاکستان به قتل رسید. طالبان به حمایه پاکستان و بعضی کشورهای خلیج فارس دوباره سر بلند کردند و تالمازو رکه حدود نزده سال میشود با امریکا دست و گریبان هستند. امریکا این جنگ را در ازای ترین جنگ میشمارند و در صدد یک توافق صلح با طالبان می باشند. در سپتامبر امسال ۲۰۱۹ رئیس جمهور دونالد ترامپ قرار یاد توافقنامه را طالبان اضلاع کنند،

اما بعد از اتفاق جاری در کابل جان یک نظامی امریکا گرفت و طالبان مسئولیت آنرا بدوش گرفتند، موضوع قرارداد صلح به تعویق انداخته شد. امریکا و عده کرد که در ظرف پنج ماه نخست پس از امضای توافقنامه شمارنیرهایش را از اینجا خواهد شد.

پس از امضای توافقنامه شمارنیرهایش را از اینجا خواهد شد. اینجا نیز میگوید: بدانید توافقنامه شمارنیرهایش را از اینجا خواهد شد.

بیانیه مشارکت دولت افغانستان که تا کنون در مذاکرات صلح جای نداشته است، بیرون رفتن نیروهای امریکا کشور را در آشوب فرو خواهد برد.

قدم گذاشتن به بلاک شش زندان پل چرخی مثل واردشدن در قلمرو طالبان است راه رهایی دراز پراز طالبان که آزادانه قدم میزنند، نان میپزند، ریش میترانند شاور میگیرند و عبادت میکنند. هم سلوهای مولوی باری سابقه های متفاوتی دارند، قبل از جمایع تاجر، راننده یا کشاورز بودند. جرایم شان متنوع است، از جمع

آوری مالیات تا پهنه داری بعنوان سرباز پیاده و بمب گذاری. بسیاری میگویند که انگیزه اولیه شان در پیوستن به گروه طالبان حس انتقام گیری بوده، اغلب آنها تلافی حملات هواپیمایی. مولوی باری میگوید: «وقتیکه نیروهای امریکا ۱۵ سال پیش به قریه من حمله کردند، همسایه من و دو همسرش کشته شدند، اما کوچکترین فرزندشان پسری بنام رحمت الله بود، زنده ماند.

«من اورا به فرزندی گرفتم و کمکش کردم که درس بخواند، اما هر وقت صدای هلیکوپتر شنیده میشود پا به فرامیگذارد و چیز میزند: آمده اند مرا بکشند! مولوی گفت پس از آنکه شاهد ویرانی مساجد و کشته شدن زنان و کودکان بودم، عزم خود را به جنگ پنهان کرد، بلندپایه نجیب نیز از بیان ترا خصوصی دارد و نیزه دارد.

جزم ساختم!

یک زندانی دیگر طالبان به اسم سلطان میگوید که هدفش مقاومت در برابر (سفا کی هایی) بود که شاهدشان بودم، من افغانم واين حق من است که صدایم را بلند کنم و بگویم این مهاجمان رانی خواهیم!

## إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

پوهاند عزیز احمد پنجشیری فرزند نیک محمد در سال ۱۳۲۹ ه ش در شهر کابل چشم به دنیا گشوده و در سال ۱۳۳۳ شامل ابتدائیه قاری عبدالله و در سال ۱۳۳۹ شامل لیسه تجارت و در سال ۱۳۴۲ از لیسه تجارت فارغ گردیده است. در سال ۱۳۴۷ شامل رشته تاریخ و جغرافیه فاکولتۀ ادبیات و علوم بشری کابل گردیده و در سال ۱۳۵۰ فارغ شد. در سال ۱۳۵۱ در آن فاکولتۀ به صفت نامزد پوهیالی تقرر حاصل نموده و به ترتیب سال‌های خدمت ایشان به رتبه علمی پوهاند نایل گردیده است.



شادروان پروفیسر عزیز احمد پنجشیری

طی سال‌های جنگهای داخلی در سال ۱۳۷۵ بعد از اشغال کابل به دست طالبان از بست دانشگاه کابل توسط طالبان موقتاً منفک شد، و استاد به صفحات شمال افغانستان نقل مکان نموده و در سمت مشاور سیاسی شهید استاد ریانی ایفای خدمت مینمود، بعداً در سال ۱۳۸۰ به حیث اتشه فرهنگی افغانستان در تهران، سپس در سال ۱۳۸۳ به حیث اتشه فرهنگی افغانستان مقیم پیکنگ پایتخت چین احرار وظیفه نمود. پوهاند پنجشیری در سال ۱۳۸۸ در دیپارتمنت جغرافیه فاکولتۀ زمین شناسی دانشگاه کابل تقرر مجدد حاصل نموده و الی تاریخ ۹/۱۲/۱۳۹۴ یعنی زمان تقاعد شان به وظیفه مقدس استادی ایشان ادامه داده و در تربیه اولاد وطن سهم فعال گرفته است. مرحوم پوهاند عزیز احمد پنجشیری در طول سال‌های خدمت به دریافت تقدیر نامه‌های درجه اول و درجه دوم نیز نایل گردیده است.

مرحوم پوهاند عزیز احمد پنجشیری یکی از استادان بر جسته رشته جغرافیه در خانواده تحصیلات عالی کشور بوده و اضافه تراز ۳۰ اثر علمی و فرهنگی از مرحوم بجا مانده است. نامبرده بعد از سال‌های تقاعد منحیث مشاور فرهنگی بلدیه کابل و رئیس کمیسیون ثبت آثار باستانی شهرداری کابل، و عضو شورای خبرگان شهر کابل، و مشاور فرهنگی وزارت محترم اطلاعات و فرهنگ، و نیز در سایر کمیسیون‌ها و کمیته‌های معتبر ملی ایفای وظیفه نموده است.

مرحوم پوهاند عزیز احمد پنجشیری جهت انجام وظایف فرهنگی بتاریخ ۱۴/۸/۱۳۹۸ در مربوطات ولایت بغلان از جانب اشخاص ظالم و خونخوار به طوری بی رحمانه به شهادت رسید. انا اللہ و افالیه راجعون.

از آثار مشهور ایشان کتاب جغرافیای تاریخی غور، شهر های آریانه، و استراتیژی پاکستان در قبال افغانستان، و مقالات متعددی از جمله راجع به نوروز موجود است.

پوهاند عزیز احمد پنجشیری دارای صفات بارزی بود. از جمله وی یک شخصیت خیلی معتقد به دین مقدس اسلام بوده و همیشه پنج وقت نماز خویش را به وقت ادا مینمود. خیلی سحر خیز بوده و نماز صبح وی هیچ گاه قضا نمیشد. از حرفاها ریکیک هیچ‌گاه استفاده نمیکرد و مطابق شان وی نبود. خیلی بازم و با اراده بود و خیلی زحمتکش. زمانیکه برای پوهاندی خویش دو اثر علمی را مینوشت شب و روز زحمت کشیده و چندین صد مأخذ علمی را برای نوشتن کتاب شهرهای آریاناکه یکی از آن دوازه علمی لازم برای ترقیع به رتبه پوهاندی بود نوشت. زیرا در آنوقت برای ترقیع پوهاندی باید دو اثر علمی نوشته میشد. وی هیچ‌گاه از کار باک نداشت و همیشه شخص پرکار و با انرژی بود. وی درین اواخر بیشتر روی مسائل فرهنگی و علمی تمرکز داشت و زیاد در مسائل سیاسی دخالت نمیکرد، (دنباله د، ص ۶)

وقتی حکومتی پول ۱۵۴ پروژه توسعه را برای انتخابات تخصص بدهد و میکنند: طوریکه بزرگان میگفتند: (روزی برسه که شوری ده باشد: برتریها منصب اقبال هرناهله نیست سرنگونی دید تازلف از رخش بالا نشست

جالب بود در آستانه دهم دسمبر که اضافه از هفت دهه از اعلامیه جهانی حقوق بشر حرف و حدیهای بود، از ادولف هیتلر که بخاطر برتری نژاد جنگ جهانی دوم را برای اندخت و باعث ظهور و بروز مشکلات عظیم جهانی شد، او را با چالپین مقایسه نموده اند که در یکماده و یکسال با تفاوت چهار روز بذنبنا آمدند اند، چالپین در ۱۶ اپریل ۱۸۸۹ و هیتلر در ۲۰ اپریل ۱۸۸۹ به جهان کشوده اند، امایاکی که چالپین باشد به میلیونها نفر خنده دند و بادیگری یعنی هیتلر باشد به میلیونها نفر گریستند و تابحال درد و رنج آنرا احساس میکنند و آسیب بدیری آن تا هنوز محسوس و ملموس است.

در هفتاد و چهارمین جمع عمومی ملل متحد که در هفته سوم سپتامبر همه ساله در مقر آن سازمان (و در شهر پریه‌های نوبار که من در آن زندگی مینمایم) و هکذا در سال‌گردد اعلامیه جهانی حقوق بشر که در ۱۹۴۸ به تصویب رسید، یاد آوری هایی گردید که تجربه‌های فاشیستی و پوپولیستی و مفکرها فایده نداشتند و برتری خواه دیگر نباید رشد و نموداده شود، و همیشه می‌دانند آمیز و اصل احترام کن تام‌احترام باشی، توسعه باید و رسیده شود. انسان کور را میتوان درمان کرد ولی نادان معنصب را مشکل است

هکذا در هفتاد و چهارمین اسambleه عمومی سازمان ملل راجع به حرمت زبان‌ها، ادیان و مذاهب تاکید و تایید گردیده تاصلح جهانی تحقق یابد، روی زبانها و تقویة آن همواره مکث می‌گردد، خصوصاً کسانی که در کشور خود را ندانند و معاشرت و تماش می‌باشند و دیگر زبانها والسن، مهارتهای زبانی و لغوی مارا کاهش میدهد و این بسته به کسانی هم نمی‌شود که گویامه‌ها جران قدمی اند که ازا واطان شان نظر به معاذیر یا جبر زمان، یا وظیفه دورشده اند، یعنی تنها مهاجران قدمی نیستند که ازین ناحیه دچار مشکل و فراموشی می‌شوند. در حقیقت همه اشخاصی که زبان دومی یا هم سومی را انتخاب مینمایند با این موضوع مشکل روبرو می‌شوند.

مونیکا اشمیت زبان‌شناسی دانشگاه اسکس در جنوب شرقی انگلیس می‌گوید در همان لحظه که آغاز به فراگیری زبان دیگری می‌کنند، دو سیستم با هم دیگر شروع به رقابت می‌کنند. این خانم از پژوهشگران و محققان معروف و بر جسته در زمینه فراسایش زبانی است، در باره اثراخواص زبانی هم نمی‌شود، که زمینه تحقیقی او به گسترشی که به این موضوع می‌پردازد که چرا مازبان مادری مان را فراموش می‌کنیم، در کودکان و حتی نوجوانان این پدیده تاحدی تفسیر پذیر است، چون مغز آنها معمولاً انعطاف پذیری و سازگاری زیادتری دارد، البته تا سن حدود دوازده سالگی، مهارتهای زبانی شخصی بسیار آسیب پذیراند، پژوهشها و تحقیقات نشان داده و بازگو کننده آن نجوانان بوده اند. البته در سال ۲۰۰۱ این رقم ۱/۳ میلیون آن نجوانان بوده اند. البته در سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳ میلیون پایین تراز ۱۵ سال بوده اند که درنتیجه ۸/۱ تعداد تقریباً ۴/۳ میلیون نفر بود. طبق رایور ملل متحد و اداره صحت جهانی در سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ نفر بوده که از جمله ۳/۲ این تعداد در وضع پیش‌رفته تری قراردادشتند.

بر اساس ارقام و آمار ارائه شده تعداد مبتلایان جدید به این مرض در میان کشورهای شرق میانه و شمال افریقا در مقایسه با ۲۰۱۱ بیش از ۵۰٪ افزایش یافته، تعداد ازین رفتگان بخاطر این بیماری از ۲۰۱۲ تا ۲۰۰۰ دوبرابر بود. تشخیص ویروس اج آی ویروسی که عامل ایدز انجام می‌کنند. مرض ایدز با توجه برخواهی و نشانه های بیمار از طریق آزمایش ویرسی آن در لابراتوارها و آزمایشگاه هاشتیخیص داده می‌شود، واین آزمون بهمه کسانی که

در معرض خطر قرار دارند، تاکید و تایید می‌گردد، تاغفلت نشود، و حاملان ویروس در مرحله پیش‌رفته مرض قرارگرفته باشند و نگیرند که با ایدز یاد کنیم که بدنبال روز جهانی ایدز نهم ماه

دسمبر روز جهانی مبارزه با فساد است، که افغانستان را بخاطر این چنددهه باروش هاومنش های که توسط دولتها و حکومات این می‌شوند، بیشتر از پیش آنرا دچار افت و آفت نموده، طوریکه در دیگر کشورهای پرساد دنیا در مکانها و رده های دوم و سوم قرار داشته است. البته کشور سومالی در دیگر دستگاه این گروه قراردادار.

ویکتوره‌وگو گفته سیاست‌گرایی ویاهم سیاست شومندانی که اصول و ضوابط و درنهایت قواعد بارزی سیاسی را بلند ناشنند و ظرفیت‌ها و ظرافتها لازمه را ندانند، چون بازیگر سیاسی نیستند، بازیچه آن نمی‌شوند و اگریه صحنه هم بیانند یا آوردند شوند، و به گفته شان کامیاب و برندند هم شوند و باهم ناکام بمانند، بهر دو حالت به انسانهای جانی، غاصب، عقده بی و خیره سر مبدل می‌شوند، (مثل افغانستان که خصوصاً حالاً فرزندان شان را راه ادامه دهنده راه و نظریات شان تربیه نموده اند).

ولنر می‌گوید زبان سیاست‌مدار عاقل و مدبیر در قلب اوست

واز ناقابل و فلوله باز در لب او! سید جمال الدین افغان می‌گوید که

جهانان و اکمنان شی دولتی نظم او امنیت له منزه زی! سیاست

پیشنه که دشمن نواز باشد و تک نگر و قوم محور و تک نواز،

گودیهای پلاستیکی اند.

مشاق احمد کریم نوری، کالیفورنیا

## پاسداشت زبان مادری و حرمت فرنگ‌ها

طوریکه بزرگان می‌گفتند: (روزی برسه که شوری ده نمک و شیرینی ده شکر و بوره نمی‌مانه! و طوری بی برکتی می‌شیشه که ساعت دقیقه می‌شیشه و هفتاه روز و سال ماه می‌شیشه!) به یقین که متوجه می‌شوند که سال به آخر رسیده و قرار است که بحیره باشند بخش بیست و یکم این سلسله مقالات، سال میلادی به پایان میرسد. یعنی سال ۲۰۱۹ چشم بهم زدنی فرا رسید و سپری شد و در حقیقت ربعی از قرن جدید می‌گذرد.

اما، ولی و مگر با وجودیکه در عرصه جهانی تغییرات و تبدلات ژرف و شگرف پدیدار گشته، در کشورهای نهضت مشکلات و معضلات سرجایش باقیست! و هر روزهم بر جم آنها افزود می‌گردد. از کشته ها پنجه هاشده و زمینی برای قبرستان باقی نمانده، آنچه در کشور ما ازان است قیمت انسان اهل افغانستان است که مفت و رایگان، هر روز جوچه جوچه ازین میرونند بالتحاری و انفجاری و مربیضی های مهلهک.

درین بخش، بخاطر روز جهانی ایدز aids سخن پهلوی سخن می‌گذاریم که تاسالها قبل این مربیضی ناشناخته باقی مانده بود و مربیضان آن در ردیف بیماران سرطان قلمداد می‌شوند. در سال ۱۹۸۸ ملل متحد و سازمان صحت جهانی اول دسمبر را بنام روز جهانی مبارزه با ایدز هسته گذاری نمودند و باید آوری اینکه آج آی وی در حالت شیوع است و باید ریشه کن شود، و مستلزم مبارزه جدی و کار پیگیر می‌باشد. نشان ولوگوی نیمه بو گونه بارنگ سرخ را علامت فارقه این مربیضی قبول شد که در روز جهانی ایدز مربیضی خوبه بازگردانی با گرد همایی باشد. در روز جهانی ایدز سازمانهای جهانی با گرد همایی با ایدز سخن می‌گذاریم که تاسالها تاکیدی کنند زیرا ایدز مربیضی همه گیر جهانی است که تاسال ۲۰۱۰ در جهان تقریباً ۳۴ میلیون نفر مبتلا به ایدز بوده اند، از آن تعداد تقریباً ۴/۳ میلیون پایین تراز ۱۵ سال بوده اند که درنتیجه ۸/۱ میلیون آن نجوانان بوده اند. البته در سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳ میلیون بود. طبق رایور ملل متحد و اداره صحت جهانی در سال ۲۰۱۳ نفر بوده که از جمله ۳/۲ این تعداد در وضع پیش‌رفته تری قراردادشتند.

بر اساس ارقام و آمار ارائه شده تعداد مبتلایان جدید به این مرض در میان کشورهای شرق میانه و شمال افریقا در مقایسه با ۲۰۱۱ بیش از ۵۰٪ افزایش یافته، تعداد ازین رفتگان بخاطر این بیماری از ۲۰۱۲ تا ۲۰۰۰ دوبرابر بود. تشخیص ویروس اج آی ویروسی که عامل ایدز انجام می‌کنند. مربیض ایدز باز از این رفتگان پادتن، پادگن یا (آر آن ای) راشناکی می‌باشد. مربیض ایدز باز توجه برخواهی علایم و نشانه های بیمار از طریق آزمایش ویرسی آن در لابراتوارها و آزمایشگاه هاشتیخیص داده می‌شود، واین آزمون بهمه کسانی که در معرض خطر قرار دارند، تاکید و تایید می‌گردد، تاغفلت نشود، و نگیرند که با ایدز یاد کنیم که بدنبال روز جهانی ایدز نهم ماه دسمبر روز جهانی مبارزه با فساد است، که افغانستان را بخاطر این چنددهه باروش هاومنش های که توسط دولتها و حکومات این چنددهه مدیریت می‌شوند، بیشتر از پیش آنرا دچار افت و آفت نموده، طوریکه در دیگر کشورهای پرساد دنیا در مکانها و رده های دوم و سوم قرار داشته است. البته کشور سومالی در دیگر دستگاه این گروه قراردادار.

ویکتوره‌وگو گفته سیاست‌گرایی ویاهم سیاست شومندانی که اصول و ضوابط و درنهایت قواعد بارزی سیاسی را بلند ناشنند و ظرفیت‌ها و ظرافتها لازمه را ندانند، چون بازیگر سیاسی نیستند، بازیچه آن نمی‌شوند و اگریه صحنه هم بیانند یا آوردند شوند، و به گفته شان کامیاب و برندند هم شوند و باهم ناکام بمانند، بهر دو حالت به انسانهای جانی، غاصب، عقده بی و خیره سر مبدل می‌شوند، (مثل افغانستان که خصوصاً حالاً فرزندان شان را راه ادامه دهنده راه و نظریات شان تربیه نموده اند).

ولنر می‌گوید زبان سیاست‌مدار عاقل و مدبیر در قلب اوست واز ناقابل و فلوله باز در لب او! سید جمال الدین افغان می‌گوید که جهانان و اکمنان شی دولتی نظم او امنیت له منزه زی! سیاست پیشنه که دشمن نواز باشد و تک نگر و قوم محور و تک نواز، گودیهای پلاستیکی اند.

بسماه جران زبان مادری کم و بیش همراه بازبان دارد

با زندگی خود وقت داده و ادامه میدهند، اینکه زبان اول

چقدر خوب و صحیح بماندستگی به مهارتهای زبانی خوبی دارند و از قدرت رفدازند.

افرادیکه معمولاً مهارتهای زبانی خوبی دارند و از قدرت رفدازند،

و بدنی بالایی بر خود رانند، زبان مادری خود را نیز بهتر حفظ (دنباله در ص ۶)

زمانی که شهید احمدشاه مسعود بخاطر جلوگیری از قتل وویرانی پیشتر در شهر کابل، آن شهر را تخلیه کرد، برای انتقال طیارات از بنگرام نه جای مناسب و نه وقت کافی بود. عده‌ای بیلو تهازن جمله جنرال جلیل، جنرال صفر، جنرال صبور و جنرال متین موظف به انتقال طیارات شده بودند، جنرال متین به یکی از دوستان من گفته بود که تنها یک تعداد طیارات باربری و مسافربری و هلیکوپتر هارا توانتیم که به میدان هوایی کولاپ انتقال بدهیم. جنرال متین گفت ما توانتیم کمتر از ۳۰٪ طیاراتی را که بعداز بمباران دوستم باقی مانده بود از بگرام انتقال بدهیم، وقتی بار دوم به انتقال آهاد کدام کردیم وضعیت میدان بگرام خراب شده بود و طالبان در آنجا رسیده بودند و مانتوانتیم کدام پرواز دیگری انجام بدهیم.

به اساس گفته جنرال سیدینی یکی از بیلوهای قوهای مقاومت، در میدان هوایی کولاپ ۸۱ به طیارات باربری آن ۲۶ و ۳۶ و ۱۲۰ را هلیکوپتر نظامی موجوب داد که بین جبهات مختلف پروازی نمودند.

زمانیکه طالبان سقوط نمودند و دولت جدید به زمامت کرzi بوجود آمد، همه طیاراتی که در کولاپ موجود بود به امر مرحوم مارشال فهیم به بگار انتقال داده شدند. وقتی طالبان به قدرت بودند تعداد زیاد طیارات جیت میگ ۲۱ از میدانهای هوایی کشور مفقود شدند. یاسین فرخاری یکی از مهاجرین که در اسلام آباد زندگی میکرد به یکی از دوستانم گفته بود که او در یک منطقه ظامی پاکستان که نزدیک منزل او بود در حلوود ۶۰ بال طیاره را دیده بود که در بالهای خودنشان قروای مدافعه افغانستان را داشتند. اینکه آن طیارات اکنون کجااند و به چه سرنوشتی دچار شده اند کسی از آن اطلاع ندارد. برخی دیگران مهاجرین آنها را دیده اند، ولی اینکه مقامات استخباراتی دولت کرzi در مرور تحقیقاتی نکرند و در مرور ریودن این طیارات در زمان طالبان به پاکستان حرفی نزدند و خاموشی اختیار کرده اند، ابهام و رمز و رازی موجود است که باید روشن شود. درین مروره مقامات نظامی امریکاؤنه اشخاص

دولتی افغانستان چیزی گفته اند !  
باید خاطرنشان کرد که در آن زمان گلبدین دو هلیکوپتر در اختیار داشت  
که معلوم نیست بعداز تسلیمی اش آنها را به دولت سپرد یا خیر؟! حزب وحدت  
دویال طیاره ان ۳۶ در اختیار داشت که به مشهد انتقال داده  
به دو بعداً احادیح که مت کردی آنها ابه بگ ام نقل داد.

زمانیکه طالبان سقوط نمودند بمب افکن‌های امریکامیانهای هوایی قندهار و سبزوار را در هرات بشدت بمباران نمودند که تعداد زیاد طیارات و تاسیسات مدافعتی هوایی در آنجاها ازین رفتند. باسas شاهدان عینی در میدان قندهار بیش از ۲۱ هلیکوپتر تخریب شدند و چهار هلیکوپتر را طالبان از میدان کشیده و درز بزر درختان پنهان نموده بودند. وقتی امریکاییها مأمور نظامی کشور ابد است گرفتند همه طیارات جنگی وهلیکوپترهارا که در میدان بگرام و دیگر میدان‌های هوایی در چوکات قوای مدافعتی هوایی کشور بودند تخریب و بحیث زالله آهن به پاکستان فروخته شد! استدلال نظامیان امریکاییان بود که آن طیارات ساخت روس اندو با طیارات مدرنتر امریکایی عوض می‌شوند! بدین ترتیب در زمان حکومت کرزی قوای هوایی و مدافعتی هوایی کشور بکلی ازین رفت.

احتمالاً امریکاییها بخاطر اینکه پیلو تهای نظامی امریکا باطلیارات روسی آشنا نبودند و بر پیلو تهای افغانستان اعتماد و اطمینانی نبود، تحریب و انهدام کلی آهارا ترجیح دادند. از جانی فضای افغانستان بکلی در تصرف قوای نظامی امریکا بود، لذا موجودیت یک قوای هوایی و مدافعته هوایی بومی ضروری پنداشته نمی شد. امریکا موجودیت یک قوای هوایی بومی نیز مند راخطری برای عساکر خود تلقی میکردند، بنابراین در مرور احیای مجدد آن اقدام مناسب و

موثری ننمودند. اخیراً امریکا ۲۰ فروردین هلیکوپتر سوپرتکانو را به قوای مسلح افغانستان داده که باسas گفتنه پیلوتهای قوای مسلح آنها در شرایط کوهستانی و جغرافی افغانستان قابل استفاده نمی باشند. یهمنین ترتیب چندبال هلیکوپتر مستعمل روسي را انگلستان به قوای هوایی همکاري نموده است. یک پیلوت قوای هوایی که تازه به کانادا مهاجرت کرده میگوید: مارابه امریکا آوردن و در آجادرپرواز هلیکوپتر تعليم و تربیه دادند و درسه ایالت امریکا تعليمات پرواز هلیکوپتر ننمودم، ولی جالب اینست که همه تعليم و تمرینات مبالغی هلیکوپتر

های روسي بود! امریکا هلیکوپترهای دست دو را ز او کراین خربده و به قوای هواپی ما داده است و اکنون ۵۰٪ هلیکوپتر قوای هواپی ما امریکایی و ۵۰٪ روسی است. طیارات جیت بسب افگن درقوای مدافعته هواپی افغانستان قطعا وجود ندارد، همه طیارات میگ، انتونوف و ان ۲۶ و ان ۳۴ روسی را تخریب کرده به قسم آهن زباله به پاکستان فروخته شده است!

بدین ترتیب یکی از دستاوردهای کریزی و احمدزادی در طی هژده سال عبارت ازین بردن و انهدام کلی قوای مدافعته هواپی کشور است. از قراین چنین بر می آید که این جزو برنامه های نظامی برای افغانستان بود و تصمیم طوری اختلاز شده که افغانستان فاقد قوهای مدافعته هواپی بخصوص جیتهای بسب افگن باشد. تعداد محدودی از سلاحهای مدرن از جمله درون درقوای مسلح وجود دارد که همه نمایشی اند، عساکر افغانستان در آنها تعلیم و تربیه لازم ندیده اند و از آنها

بطور مجموع میتوان گفت که افغانستان در هژده سال حضور نظامی ناتو و امریکا، قوای هوایی و مدافعتی خود را ازدست داد. پهین ترتیب طرز دید قومگرایانه و خصلت منعطف جویانه اشرف غنی احمدزی و حامد کرزی و حلقة خاص وابسته به ایندو که در مقامات بلند دولتی قرار دارند و در هژده سال در صدد زاندوزی و ثروتمنشدن خود، فامیل، اقارب و همستان و همکران خود بودند، همانطور یکه بالای عرصه های ملکی و دولتی تاثیر (دبنه در ص)<sup>۳</sup>

در حالیکه مدینه به چهره های وحشتناک و عبوس آنها نگاه میگردد، سه جاغور مرمی رادرسینه وطندوست خالی کردند. موترساعت ها در وسط جاده میماند، سرویسی از عابرین از آن محل میگذرد و متوجه میشوند که موتری در وسط سرک ایستاده است و حرکت ننمی کند. راکبین از سرویس پایین شده بسوی موتر میروند که با صحنۀ دلخراشی مواجه می شوند.

دریکی ازین عکسها مدینه در چوکی جلو موتردیده  
میشود که بالای خون در کنار جسد پدرش ایستاده و حشتش زده  
و حیران از کلکین موتبه دور دسته ایگاه میکند گویی در جستجوی  
قاتل پدر است، لبانش خشک و چهره اش پریده اشک در چشم انداش  
وجود ندارد و حرف نمیزند ولی ازنگاهها یش خوانده میشود که  
میگوید:

جیه کرده ام که ز جانان خود چداشده ام

چه گفته ام که گرفتار این بلا شده ام  
کسی نگفته به من تاکنون گناهمن چیست  
کزین گناه سزاوار این جزا شده ام  
صبا به تربت جانان پیام من برسان  
که بی تو از تو جدا سخت بینوا شده ام !

از عکسی که از جسد وی در شبکه فیسویوک قبلاً بدقش  
دیده بودم، بر می آید که شلیک پیاپی مرمی هادرسینه و طندوست  
فرورفته بودند، دود باروت و چهره و حشتناک طالبان جنایت پیشه  
این دخترک یتیم سه ساله را چنان تکان داده که از حرف زدن  
بازمانده، خوردن و خواییدن را فراموش کرده، واشک در چشمانش  
خشک شده و روح و روآنش به اندازه صدمه دیده که دیگر زندگی  
برای خاتمه و دنیا برایش تاریک شده و امید بر گشتنیش بحالت عادی  
موجود نیست.

این داستان غم انگیز رابخاطری دراول مقاله آوردم تا خصوصیات طالبان درنده خوی رابر بمالا ساخته باشم که درسینه نپاک شان به فرمان قرآن، قلب نه بلکه سنگ و حتی چیزی سخت تراز سنگ جاداد، و همین هالند که کرزی ایشان را برادرانم می گوید واحمدزی روی کتیف شانرا می بوسد، و خانم شکریه بار کری با صدھا قلم آرایش و باناز و کرشمه دریک میزبانانها می نشیند و صرف غذامکند!

د. مقاله گذشته نگاشته شده به دکوه مانکه شهر احمدشاه

مسعود قهرمان ملی و مجاهد کبیر امور دفاعی کشور را در دست داشت، ۱۲۰ فروند طیاره در چوکات قوتهای مدافعته هواپیمایی کشور در میدان هواپیمایی بگرام بود. او همه رادر جاهای امن ستر و اخنا نموده بود تا از گزند را کتهای گلبدین در امان باشند، تاسیسات و وسایل دفاع هواپیمایی کشور را بدقت خاص نگهداری کرد و شخصاً از آنها مراقبت می نمود. جنرال میرانجام الدین خان قوماندان عمومی آن قوا، جنرال دوران قوماندان عملیاتی قواهی هواپیمایی و جنرال بسم الله خان محمدی قوماندان عمومی میدان هواپیمایی بگرام بود.

قرار مصاحبه شهناز تنی در زمان اوج دولت نجیب، کارمل، تره کی و امین در چوکات قوای هوایی کشور ۵۴۰ بال طیاره شامل هلیکوپتر، طیارات باربری نظامی و جیتهای بمب افگان موجود بود، که تعداد زیاد آن در جنگها با مجاهدین سقوط کرد. قرار نقل قول شاهدان عینی وقتی دولت نجیب سقوط کرد، در مجموع ۳۵۰ فروند طیاره در قوای هوایی وجود داشت، از جمله ۱۵۰ فروند شامل جیتهای بمب افگان، هلیکوپتر و باربری و مسافربری نظامی در میدان بگرام و میدان سبزوار (شیندن) هرات وجود داشت، متفاوتی در میدان هوایی دهدادی هزار، میدان هوایی جوزجان و میدان هوایی قندھار و عده‌هیم در میدان هوایی جلال آزاده دنیا

وقتی دولت نجیب سقوط کرد، عده از صاحب منصبان به مزار رفتند و بادوستم پیوستند، یکی ازین صاحب منصبان مصطفی قهرمان از پیلوتهای نظامی دوران نجیب الله بود و بامیدان هوایی بگرام آشنازی کامل داشت، به هدایت عبدالرّحیم دوستم سه بار حملات هوایی شبانه بر میدان بگرام نمود که در حمله سوم در بازگشت طیاره اش در سالنگ سقوط داده شد. در اثر این بمباران هوایی بیش از ۶۰ بال جیت میگ ۲۱ و تعدادی از هلیکوپترها و طیارات باربری نظامی بكلی ازین رفتند و میدان نیز صدمه شدیدی برداشت. چون مصطفی قهرمان به آن میدان بلدیت کامل داشت، لذا همان نقااطی را بمسار ان کرد که در آن طیارات میگ ستر و اخفاشه شد.

استاد یونیورستی نیو جرسی انجینیر عبدالصبور فروزان

## توطئه های کریزی و احمدزی در تضعیف قوای مسلح کشور

ولسوالی ارغنداپ که در جنوب ولایت قندھار واقع است، زمانی از جاهای سر سبز کشور بامانظار خاص وزبیای دیدنی بود که اکثرآ توسط شعله های جنگ و ویرانگری های طالبان به ویرانه ها تبدیل شده اند. برای امان الله وطندوست ارغنداپ با همه ویرانی های عزیز و دلنشیں بود، او فرزند آن سرزمین بود، دلستگی و عشق خاصی به آن داشت و تا پای جان از سنگ سنگ آن دفاع کرد. چهار برادرش در دفاع از ارغنداپ و نبرد علیه طالبان خون آشام شهید شدند. شهادت برادران که همه جوانتر بودند بر امان الله وطندوست سخت تاثیر کرد به بود.

اماين غم وغضبه برادران شهيدش، او را زدفع از اراغنداپ که برایش عزيزبود باز نداشت. هرروزی که ميگذشت اراغنداپ برایش شيرین و عزيزتر می شد و دردفع آن دربرابر طالبان مزدور مصمم ترميگرديد. او بالازدست دادن چهار برادر جوان در وديوار خانه اش را بي نور و خالي ميديد، گرمي و حرارتی در آن احساس نميکرد، ااكتراً دلگيرميشد ولی دلشاد ازايin بود که از اراغنداپ عزيزش دفاع مينماید. يبيت سال از ازدواجش گذشت ولي صاحب فرزند نشد، در چهل سالگي غم وغضبه شهادت برادران دامنهگيرشده بود که هر روز فشاريشتر و ييشتر بالايش مي انداخت. موهايش راسفید ساخته و چهره اش را اندوهگين نموده بود. همسرش از همه ييشترين غم وغضبه درون، اورا احساس ميکرد.

روزی خانم وطندوست از دختر کی آگاه میشود که پدرش را طالبان پیش از تولید شهید ساخته بودند و مادرش از بیماری و ناداری وفات نموده بود. دختر ک که هنوز چندماهی از بهار زندگیش را سپری نموده بود یتیم و بی مادر شده بود که اقارب و خویشان از فرط تنگدستی و ناداری از سر پرستی و نگه داری او عاجز بودند و در جستجوی کسی بودند که اورابه فرزندی بگیرد. همسر امان الله میر و دو آن دختر ک یتیم را بخود بخانه می آورد، به دیدارش دلنشاد میکند و شکرانه خدای لایزال رامی نماید، دختر ک را به رسم محل سه بار از گریبانش عبور میدهد که دخترش واولادش میشود. وقتی شوهرش بخانه می آید برایش میگوید تحفه برایت آورده ام، امان الله به حیرت می افتد که امروز همسرش برخلاف روزهای دیگر بیحد خوشحال است و تحفه چیست، مگر لباسی، بوتی، پیراهنی! خانمش میگوید تحفه که دل من و تو را شادمی سازد و غصه و غم را از سینه ما دور میکند. دست شوهرش را میگیرد به اتفاقی رهنمایی میکند که دختر ک در آن خواب بود. خانم آهسته روی دختر ک را بازمیکند و میگوید: دل بند دختر ما، امید و آرزوی روزهای پیری ما! امان الله با دیدن چهره آن دختر ک یتیم به اندازه شاد میشود که اشک از چشمانش جاری شده و چهره اش از خوشی گلگون میشود. زن و شوهره در دور کنار دختر ک می نشینند و انتظار میکشند که از خواب برخیزد. وقتی دختر ک بیدار شد به امان الله نگاه کرد و بتسم معصومانه نمود و امان الله اورا در آغوش گرفت و دختر ک خود را چنان به امان الله می فشد که گویی پدر کشته شده اش را پیدا کرده است. زن و شوهر محفل خوشی برپا کردن خویشان و همسایگان را دعوت کردند تاین مژده را به آنها برسانند. محفل شادی و خوشحال، بود و دختر ک را مدینه نام نهادند.

دیگر درخانه وطندوست غم و غصه دیده نمیشد و دخترک آنرا با خنده هاونگاه های معصومانه اش پر از شادی و خوشی ساخته بود. غم برادران شهید فراموش شد، به اندازه بیش از مدینه الفت و محبت پیدا کرده بود که اگر چند ساعتی اورا نمی دید دلش بیقرار و فکرش پریشان میشد. مدینه آهسته بزرگ میشد، حرف زدن رواه رفتن را آموخت، امان الله را (پلا ر جانی) و همسرش را (مور جانی) صداميکرد. صدای مدینه زنگ از دل ایشان زدوده بود و روش نمای در چشم انداز شان آوردہ بود. برای این زن و شوهر مدینه همه حیز بود و در خواب و بیداری به او مرد، اندیشیدند.

مدینه بزرگترشد، یکساله شد و دو ساله و سه ساله شد و پدرش هر  
لیباس زیبایی را که میدید برای اومی آورد. مدینه در ناز و نعمت و  
محبت والفت چنان غرق بود که نه خودش و نه کس دیگری به این  
فکر میشد که او دختریتیم پدر مرده و مادر مرده است. امان الله  
هر جایی که میرفت مدینه را با خود میبرد، با او قصه میگفت و درد  
دل می کرد و در چشمان دختر کامبود آزو و های زندگی خود  
رامیدید. مدینه خوشی دل این زن و شوهر و گرمی و خروش خانه

ایشان شده بود. روز جمعه آغاز نومبر سال جاری وطندوست به مدینه وعده داده بود که بعداز نماز جمعه اورابه شهر میرد. وقتی از مسجد آمد، مدینه را که لباس زیبای سرخ پوشیده بود و چادر سبزی برداشت و گلسرخ کاغذی در موها یش آویخته بود، با خود گرفت، سوار موتر تویوتا شد و مدینه رادرستی جلو مو تریهلوی خود نشاند. پدر و دختر در طول راه صحبت میکردند، مدینه هر چیزی را که در راه میدید برا یاش تازه بود و سئوال میکرد و امان الله بالطف پدرانه آنرا جواب می داد. فاصله چندی راطی کرده بودند و از قریه فاصله گرفته بودند که ناگهان از دو جانب سرک دو طالب ناکس بلند شدند و موتر را توقف دادند. وطندوست به فکر اینکه کسی کمک ضرورت دارد کلکین موتر را بایسین کرد و آن ناکسان

**مباحثت اوضاع ...**

به قدرت رسیده بود از بین ببرند وهم در حوالی سال ۱۹۶۰ به رویه با وینتم شمالی پیمان کمک های بیشتر نظامی امضا نمود. بناء، دویت دی هایزنهاور، سی و چهارمین رئیس جمهور امریکا هم حمایت جدی خود را برای Diem ویت نام جنوبی ابلاغ نمود. جنگها خونین با استفاده از قوای زمینی، بحری و هوایی و استعمال بسب نیام و اجتن آرنج آغاز یافت..... ولی حملات گوریلایی مجاهدین و خصوصاً شهید احمد شاه مسعود به لیدر شپ پروفیسر بران الدین ربانی سابق رئیس جمهور شهید و فقید افغانستان برای آزادی وطن از تهاجم کمونست ها و روسها و طرفداران شان بود و چون مردم با آنها بود، موفق شدند. و هم خاطر نشان باید ساخت که حملات گوریلایی مسعود و هم سنگرهایش مانند حملات گوریلایی ویت من ظالمانه نبود هدف شان روسهای همراه بود و با روس میجنگید و اسیران شان را با عزت نگاه مینمودند. متأسفانه تخریبات کابل از طرف پیروان ویت منی با راکت پرانی و ویرانی و سبوتاژ تاورهای برق و اعدام های طرفداران یکدیگر بوقوع پیوست و ویرانی افغانستان را از وینتم بدتر ساختند. وینتم آزاد و متفرق شد و افغانستان تا هنوز با طالب میجنگند و سی و نه (۳۹) مملکت در افغانستان عسکر دارد و استقلال تام ندارد. مانند یک مستعمره، هر کس از امریکا هر وقتی که بخواهد بدون مراعات روابط بین المللی در میدان هواپیما بگرام فرود می‌آید....

در آخر، دشمنان مردم افغانستان طالب و انتشاریون را خلق کردند که اکثر آجانان نور رسیده پشتون افغانستان و پستان پاکستان اند و بیخبر از فریب ISI و با خوشبازی صرف غذای پایامبر اسلام در جنگ برای کشتار مسلمانان افغانستانی به میان آوردند. برای ترس ازینکه پلان تهاجم امریکا و انگلیز به نزدیک شدن به سرحدات روسیه و چین از یکسو و دستبرد شان به ثروت های زیر زمینی و «اوپیم» «افغانستان از جانب دیگر به موانع روپرو نشود، احمدشاه مسعود را توسط القاعده جهت کمک به حامیان طالب که با امریکاییها بیشتر همکاری داشته باشد به قتل رسانیدند؛ مثیلیکه با وادی آخرین امپراطور وینتم را که هنوزهم محبوب مردم بود برای اینکه کدام مانع برای شان ایجاد نکند اورا با یک ریفرندوم تقلیل به طرفداری معاونش Diem در سال ۱۹۵۵ چند روز قبل از تهاجم امریکایی ها و متعدد شان بضد کمونست های وینتم، برای ابد از ساحة سیاست دور ساخته شد ولی در پاریس وسائل راحتی مهیا گردید.

باودای، خوشبخت بود که کشته نشد ولی احمد شاه مسعود در اوج شجاعت و وطن دوستی و دیگاه آینده مدرن و متفرق برای مردم افغانستان بروز یکشنبه نهم سپتامبر ۲۰۰۱ در خواجه بهاءالدین ولایت تخار به عمر ۴۸ سالگی از جانب راپورترهای دروغین الجریایی جام شهادت نوشید و آرزو ها و امید های خود را با خود در قعر زمین فرو برد. امریکا چند روز بعد به شبانه روز ۷ اکتوبر ۲۰۰۱ مردمات هوایی را بر افغانستان آغاز نمود که تا حال به نوع دیگر دوام دارد ولی امپراطور سابق وینتم در بستر نرم و آرام شفاخانه عسکری فرانسه به روز ۳۰ جولای ۱۹۶۹ به عمر ۸۳ سالگی جان سپرد.

حال وقت آنست که پیمان صلح پاریس را با ذکر مختصر رویدادها، بحث و مذاکراتی که منتج به امضای پیمان شد به عرض رسانیم و سوال دوست مارا که درباره پیمان صلح پاریس معلومات خواسته بود، جواب دهیم. (باقی دارد)

\*\*\*\*\*

**وفات شادر وان پروفیسر پنچیروی**

در حالیکه قبل از پیشتر روى مسائل سیاسی کار میکرد. اداره امید: در شماره آینده به خیر، مطالب مفصل از کار کرد های جناب مغفور استاد پنچیروی و مبارزات ملیگرایانه ایشان را به قلم یکی از همزمان دانشمند شان، جناب انجینیر عبدالصبور فروزان رامطاعه خواهید فرمود. رحلت جناب استاد پنچیروی، این پژوهشگار جمند راضایعه بزرگ علمی و فرهنگی تلقی کرده، با اتحاف دعا به روان تابنا کش، به کلیه بازمانده های گرامی وی، صمیمانه تسلیت میگوید، و به جامعه علمی و فرهنگی کشور اظهار غمشریکی می دارد. (\*\*\*\*\*)

**پادشاهت زبان ...** مینیماند و لوکه هر قدر از زادگاه خود دور باشند. اشیت میگوید اما روانی و شیوه زبان مادری به چگونگی سامان دادن زبانهای مختلف در مغز بستگی دارد، تفاوت اساسی میان مغزهای تک زبانه و دوزبانه ایست که وقتی دوزبانه شوید، باید نوعی اتفاق کنترول در مغز و ذهن خود داشته باشید که جایجا یی بین دوزبان راممکن کند. امثال می آورد وقتی اوبه چیزی نظری اندازد و نگاه میکند، ذهن او میان دو کلمه و واژه را انتخاب میکند، مثلاً واژه انگلیسی desk به معنی میز و کلمه جرمنی schreibstisch که به آلمانی میز تحریر است، وقتی اوردم حیط وفضای انگلیسی زبان قرار داشته باشد کلمه و واژه آلمانی را در ذهنش کار میگذارد و واژه انگلیسی را نتخاب میکند و بر عکس. (دبالة دارد)

نفحات الانس و تذکرہ دولتشا نوشته اند که بهاءالدین ولد بدر جلال الدین مولوی با خانواده خود از بخل مهاجرت کرد (وتاریخ این واقعه مطابق مدارکی که در دست داریم حدود سنه ۱۷۶۱ هجری بوده است) در نشابور شیخ فریدالدین عطار را دیدار کرد و در آنوقت مولوی وارد مرحله ۱۳ یا ۱۴ سالگی شده بود (برای این که ولادتش در ماه ربیع الاول ۶۰۴ بوده است).

شیخ فریدالدین عطار نسخی از منظمه اسرارنامه خود را به مولوی داد و پیشگویی کرد که از بزرگان علم و معرفت زمان خود خواهد شد. خواه این مطلب صحیح باشد یا خیر، آنچه مسلم است مولوی با آثار عطار سیار مأتوس بوده و در مراحل سیر و سلوک و لطایف عرفانی از آنها مستفید میشده است، اگرچه در طی مدارج روحانی و تحقق عرفانی خود او عاقبت به درجه و مقامی رسید که از سنایی و عطار ممتاز بود در این مقام گفته است:

اگر عطار عاشق بُد سنایی شاه فایق بُد

نه این من نه آنم من که گم کردم سر و پا را و آنچه از زبان مولوی میگفتند (برای اینکه در آثار خود این نامد) : هفت شهر عشق را عطار گشت ماهنوز اندر خم یک کوجه ایم اگر واقعیتی داشته باشد مربوط به ایام سیر و سلوک مولوی قبل از رسیدن به شمس تبریزی است، و گرنه همانطور است که در باره او گفته اند :

گیرم عطار گشت مولانا شربت از دست شمس بودش نوش این بیت را که زو غزلی است، جامی در نفحات الانس به خود مولوی نسبت میدهد، در بعضی نسخ چاپی غزلیات مولوی نیز درج شده است، اما گمان نمی کنم از خود مولوی باشد.

رازی و امیر منصور : رازی پرشک بزرگ به ماوراء النهر خوانده شد تا امیر منصور را که مبتلی به روماتیسم مفاصل بود و کلیه اطبای معالج وی در آن کار درمانده بودند درمان کند. چون به کنار جیحون رسید از پهناوری آن و خردی و ناجیزی کشی که اورا برای سوار شدن به آن دعوت کردند به هراس افتاد و از اینکه به پای خود بداخل کشته رود استنکاف کرد، تا آنکه سرانجام پیکی از جانب امیر آمد و دستور داد تا دست و پای را زای را بستند و در کشته نهادند و البته ازو مذعرت هاخواستند که آنرا بدل نگیرد. رازی آنان را طبیعت داد که هیچگاه کینه از آنان در دل نگیرد و علت مقاومت خود را چنین بیان داشت که «من دام که در سال بیست هزار کس از جیحون بگذرند و غرق نشوند و من هم نشوم، لیکن ممکن است که شوم، و چون غرق شدم تادمان قیامت گویند ابله مردی بود محمد زکریا که به اختیار در کشته نشست تاغرق شد و از جمله ملومان (= ملامت شده) باشم تا از جمله معدوران !»

چون به بخارا رسیدند روشاهی مختلف برای معالجه درد امیر بکار برد و موثر نیفتاد، سرانجام به امیر گفت: «فردا معالجه دیگر خواهم کرد، اما درین معالجه فلان اسپ و فلان استر خرج می شود.» «واين دو مرکب معروف بودند در دوندگی چنان که شبی چهل فرنستگ بفرنندی. پس روز دیگر امیر را به گرمابه جوی مولیان برد، بیرون از سرای و آن اسپ واستر ساخته و تیگ کشیده بردر گرمابه بدانشند و رکابداری غلام خویش را بفرمود از خدم و حشم هیچکس را به گرمابه نگذشت.

پس ملک را در گرمابه میانگین بنشاند و آب فاتر(= آب نیم گرم) برو همی ریخت و شربتی را که کرده بود چاشنی کرد و بدو داد تا بخورد و چندان بداشت که اخلاط را در مفاصل نضجی پدید آمد، پس برفت و جامه در پوشید و بیامد در برابر امیر بایستاد و سقطی (= دشنا، زشت گویی) چند بگفت که ای کذا و کذا توپفرمودی تامرا بیستند و در کشته افکنند و درخون من شدند. اگر به مكافات آن جانت نبرم نه پسر زکریا ام! امیر به غایت در خشم شد و از جای خودش برآمد سرزانو و محمد زکریا کار داد و تشدید زیادت کرد. امیر یکی از خشم و یکی از از هم تمام برخاست، رازی فوراً از گرمابه بیرون دوید و به آنچه از که غلامش با اسپ و استر به انتظاری ایستاده بود و سوار شد و با منتهای سرعت برفت و درنگ نکرد تا زاجیحون گذشت و به رسید و از آنجا به امیر نوشت:

«زندگانی پادشاه دراز باد در صحت بدن و نفاذ امر. خادم علاج آغاز کرد و آنچه ممکن بود بجای آورد. حرارت غیری با ضعفی تمام بود و بعلاج طبیعی دراز کشیدی. دست از آن بداشت و به علاج نفسانی آمد و به گرمابه بردم و شربتی بدادم و رها کردم تا اخلاط نضجی تمام یافت. پس پادشاه را به خشم آوردم تا حرارت طبیعی غیری را مدد حادث شد و قوت گرفت و آن اخلاط نضج پذیرفته را تحلیل کرد و از بعد ازین صواب نیست که میان من و پادشاه جملتی باشد.» امیر که خشن شفتش فرونشست از اینکه سلامت و آزادی تحرک مفاصل خود را باز یافته خوشقت شدو فرمان داد تا هر رجاء راسته گسترشی طبیعی کشید، تا آنکه روز هفتم غلام رازی با اسپ و استر و نامه بازگشت. چون رازی در نیامدن پافشاری و اصرار ورزیده بود امیر برای او جهه و دستار وسایل و علاقه که به آثار عطار داشته تأثیری که گفته های عطار در مراحل این باره معروف است:

\*\*\*\* نیز این مقاله از استاد درباره شرایط حکمرانی پرسید و گفت: کسی که اراده آسمان رانمی شناسد او آزاده نیست، لیکن اگر این آرزو با فدا کردن همیگررا میشود او باید بهفهمد که از آن آزادی و باید صرف نظر کند. هر کسی از بینایی و بیچارگی بیزار است خود را بخود میگیرد و در آن دست نمی دهد. استاد گفت: مردی که خصلت نجابت خود را زدست نمی دهد. نیک دارد هرگز تنهای نمی ماند زیرا همیشه دوستانی برای خود پیدا میکند. استاد گفت: در میان آزادگان را رقبا نهار ندارد مگر در تیراندازی، لیکن درین کار نیز همیگررا میکنند و در این میکند و وقته که به میدان تیراندازی یا پس از ورزش به محل رفع شنگی میروند جای خود را بیکار گردید و در آثار خود این نمی داشت. استاد گفت: مرد آزاده که میگذرد در آثار خود این نمی داشت. اگر این بیکاریها برای به دست آوردن راه راست ضرور باشد باید دانست که تحمل کردن بیکاری گزینه ای لازم است. اگر مرد آزاده یک روز از خصلت پاک خود دست بکشد دیگر شایسته داشتن این نام نیست. مرد آزاده هرگز و حتی یک دقیقه هم از راه راست دور نمی شود. هرگز چندان کجروی نمی کند که بکلی میزان را زدست بدهد و در راه کچ پایدار بماند. هرگز ترددید بخود راه نمیدهد. استاد گفت: کسی که اراده آسمان رانمی شناسد او آزاده نیست، لیکن اگر این آرزو با فدا کردن راه راست برآورده میشود او باید بهفهمد که از آن آزادی و باید صرف نظر کند. هر کسی از بینایی و بیچارگی بیزار است خود را بخود میگیرد و در آن دست نمی دهد. استاد گفت: مرد آزاده دراندیشه «را راه راست میباشد و فکر آنرا نمی کند که چگونه میتواند ازین کار چیزی برای میعتشت خود بگیرد. یاورد، حتی برای دهقانان که کارشان فلاحت است روزهای گرسنگی در کار است. علم آموختن شاید روزی نتیجه مالی هم بیخشند، لیکن مرد آزاده همواره راه راست رادر نظر میگیرد و غم فقر و بینوایی نمی خورد.

(یوانه) از استاد پرسید: تپش ها اضطرابهای وجودی و جدانی یا قلبی چیست؟ استاد گفت: اگر کشوری موافق اصل روش نیک اداره بشود حکمران آنچه میتواند پاداشها وار مغاینه را بپذیرد و اگر برخلاف اصول روش نیک اداره شود آن حکمران باقیول کردن هدیه ها و پاداشها دچار اضطراب و جدانی میگردد. استاد گفت: اگر راه راست درخواست از این کارشان فلاح است روزهای گرسنگی در کار است. درخواست در هفچانی نشان میدهد. یافتن و گفتن این نکته چندان آسان نیست.

(فی کانگ تزه) از استاد درباره شرایط حکمرانی پرسید و گفت: فرض کنیم من چندن را که نمیخواهدند پادشاه را بخواهند میکنم تا به مردمی که از آن راه میروند کمک کرده باشم. درین حال این رفتار مرا چگونه خواهی یافت؟

استاد پاسخ داد: این زندگی را به تپیرای حکمرانی داده اند نه برای کشتن! اگر تو برایت میخواهی به ملت نیکی کنی ملت بزودی آنرا درخواهیدیافت و نیک خواهد شد. صفت خاص مرد آزاده شیوه به خاصیت باد، و صفت مرد طبقه پایین مانند خاصیت گیاه است، هر وقت باد می وزد گیاه جزس فرود آوردن راه و چاره دیگری ندارد. (منتخب مکالمات، اثر کنفوشیوس، ترجمه کاظم زاده)

عطای و مولوی: مولوی که به حقیقت زنده عالم بشریت و از مفاخر نوع انسانی مقام شامخ آدمیت است، نسبت به آثار سنایی و هردو توجه داشت و می فرمود:

چنانی که رو این سو کند با پایزید او خو کند یا در سنایی رو و کند یا بو دهد عطار را وابن شرهم دراین باره معروفست:

عطار روح بود سوایی دوچشم او ما از بین سنایی و عطار آمدیم و لیکن به طوریکه از آثار واحوال خود مولانا و کتبی که درباره اونو شده است مستفاده میشود، پیوند روحانی و روابطه معنوی و تجسس و ساختی فکری و مسلکی که مابین وی و عطار وجود دارد و انس و علاقه که به آثار عطار داشته تأثیری که گفته های عطار در مراحل این باره معروف است:

گذاشته، خیلی بیشتر از سنایی و دیگر شرعا و مشایخ عرفانی قدم است، و برای احصاء این موارد و نشان دادن مواضع آن میتوان رسالت جداگانه نوشت، و انگهی این داستان راهم در کتاب تراجم از جمله

سدنی، آسترالیا

**دریچه به نشر پیشینیان**

مرد آزاده یا شریف کیست؟ استاد گفت: کسی که از پرتو

فیض قدرت آسمانی نفس خود را تربیت میکند و فرمانبر خود میسازد مانند ستارگان کوچک دیگر بدو تعظیم می کنند.

استاد گفت: مقصدم مرد آزاده داشتن خصال پاک است. مرد فرومایه همیشه در فکر مال خود میباشد. جایی که مرد آزاده از جزای عمل

می اندیشد، مرد فرومایه دراندیشه گریختن از مجذبات است.

استاد گفت: مرد آزاده که میخواهد راه راست را بسیار بسیار نیز باید در میانی از آنچه خود داشت خجلت می کشد شایسته آن نیست که کسی از وی پنهانی نیکو بجوید.

استاد گفت: در میان آزادگان را رقبا نهار ندارد مگر در تیراندازی،

لیکن درین کار نیز همیگررا میکنند و وقته که به میدان

تیراندازی یا پس از ورزش به محل رفع شنگی میروند و وقتی که به میدان

</

## شرح اشتراک هفته نامه امید

**ایلات متحده: ۶ ماه (۴۰) دلار - یکسال (۸۰) دلار**  
**کانادا: ۶ ماه (۴۵) دلار - یکسال (۹۰) دلار**  
**سایر کشورها: ۶ ماه (۵۰) دلار - یکسال (۱۰۰) دلار**

**Omaid Weekly**  
**12286 Ashmont Ct #202**  
**Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.**  
**Tel/Fax: (703) 491-6321**  
**Email: mkqawi471@gmail.com**

کلدار پاکستان سراسر ولایات جنوب و شرق کشور رواج دارد آنرا منع کنیم ، از اهداف پلید پاکستان در هر کجا تبلیغ کنیم ، نماینده های نکتائی پوش طالب و پاکستان را از مقامات دولت خلع کنیم از کرزی گرفته تا (بگویم؟؟؟) همه آناییکه دارائی ایشان در پاکستان است ، رسوانی و راز های بزرگ شان نزد آی اس آی و امید رسیدن به مقامات با کمک پاکستان ایشان را گروگان گرفته باید چهره هایشان رسوا و از صحنہ فعالیت دور ساخته شوند.

مطلوب زیادی است که نوشته شود ولی طولانی شدن مطلب سبب مشود که دوستان از خوانند صرف نظر کنند ، احصایه ها و مطلب را بشکل فشرده از میدایای داخل کشور ، سایت ها و مطلب نشر شده گرفته ام . کاکا مراد و سایر شهداي صادق و قربانی شده پاکستان ! روح تان شاد ، کاکا مراد اولین قربانی بازی های پنهان پاکستان نبود و متأسفانه آخرین هم نخواهد بود . مرگ برپاکستان !

۲۰۱۹

## مشابهت اوضاع ...

بروگرامیکه هفتة ۱۹ اکتوبر از یکی از تلویزیون های خارجی بزبان انگلیسی پخش شد - در حالیکه زنان افغانستان؛ سنگساری، بی عزتی، کشنن در ستادیوم کابل، قمچین زدن های بند پای و مواعن در تحصیل درس و تعلیم از طرف طالبان ظالم را هیچوقت فراموش نمیکنند و دوران طالبی را همیش تقبیح مینمایند، چگونه امکان دارد طالب را به خیر مردم بدانند؟ ظهور و باره طالب ظالم قطعاً بخیر مردم افغانستان نبوده بلکه به خیر ISI پاکستان میباشد.

بروز ۸ سپتامبر ۱۹۴۶ م فرمان نمبر ۱۴ صادر و خبر داد که در ظرف دوهای انتخابات برای اسامبله ملی صورت گرفته در آن هر مرد و زن سن هزده و بالاتر از آن شرکت کرده میتواند (طالب ضد رای گیری و انتخابات است ولی در اثر مداخله یوناما در انتخابات ۶ میزان سال ۱۳۹۸ کمتر مداخله داشتند). نشاستهای فکر میکردن در انتخابات کمونستها از راه تقلب اکثیر میگیرند فلهذا به مردم هدایت میدانند که رای ندهند. طالب ظالم هم ضد رای دادن است چون میدانند که مردم از آنها نفرت داشته موقن نمیشوند. کلک های رای دهنگان را در انتخابات ساق قطع کردند ولی آن جوانان طرفدار دموکراتی باهمان انگشتان قطع شده خود باز در انتخابات آمدند و رای دادند. ولی تا امروز نتیجه انتخابات از ۶ میزان به ۶ عقرب و به ۱۵ عقرب و به ۲۳ عقرب و اکنون ۲۱ قوس بدون اعلان آرای مردم فقط با فریب دادن مردم از طرف سرپرست دولت اشرف غنی ادامه دارد. مردم عدالت خواه و مساوات جوی افغانستان را که در روز انتخابات از ضرر عایدات آنروز بخور و نمیر خود گذشتند و جملات طالب ظالم را بدoush گرفتند فریب داده میرونند تا ۱۲ دسمبر ۲۰۱۹ نتیجه اولیه انتخابات اعلان شده و گفته میرونند که نتیجه انتخابات به تاخیر افتاده است.

این بود چند مثالی از مشابهت سیاسی ویتنام در اوایل قرن ۲۰ که امروز در قرن ۲۱ با ظهور طالب ظالم با حملات گوریلایی شان و رویداد های ضمنی نگاشته شد. فرق مهمی که بین حملات گوریلایی طالب ظالم و ویت من وجود دارد اینست که حملات گوریلایی ویت من برای بدست آوردن خود ارادیت شان از ممالک مهاجم جایان و فرانسه و چین بود و پیمانها می بستند تا بتوانند که به هدف برسند. احمد شاه مسعود اولین موافقنامه خود را با وسوسه برای آتش سس مؤقی امضا نمود تا پلان نفوذ خود را گسترش دهد و بعد درسال ۱۹۹۲ «پیمان پشاور» را که یک موافقنامه صلح برای تاسیس «حكومة اسلامی» به اشتراک همه گروپ های مجاهدین در دوره بعد از شکست کمونست ها بود امضا کرد و وظیفة وزارت دفاع بدش گرفت. ویت من، حملات گوریلایی استشهادی را به باداران طالب ظالم الهام داد و طالب این عمل شیع غیراسلامی را برای کشتار مسلمانان افغانستان سال ها دوام داده و تا هنور متوقف نساخته اند.

بعد ازینکه کمونست ها در شمال ویتنام موفق شدند و بر مردم ظلم و ستم بیحد دروا داشتند؛ ده ها هزار نفر را اعدام نمودند. نشانست یا ویت کانگ در هانوی در اواخر سال ۱۹۵۰ به چنگ های گوریلایی آغاز نمودند تا حکومت Dinh Diem Nguo را که با تقلب و به کمک امریکایی ها (دبناهه در صفحه شش)

## کاکا مراد ...

در مجموع، پروفیسر ناکامورايش از یک هزار و ۱۰۰ عجاه آب حفر و هشت شبکه آب برسانی را بالای دریای کنرا حدث کرد. او با آغاز پروژه های اعمار و بازسازی، زمینه کاربرای مردمان محل فراهم و آنانرا در بهبود زندگی شان کمک می کرد. تسو ناکامورا با اعمار شبکه های آب برسانی، میزان تولید «گر» که از نیشکر به دست می آید را افزایش داد، فارم های گاوداری را به کار آنداخت، تولید محصولات را قوت بخشید و بازارهای میوه و ترکاری را رونق داد. تسو رفته به مددجوی ننگ هاریان بدل شد. او نیز باف هنگ افغانی خوگرفت و از همان اوایل تلاش کرد تازیان پشتورا یادگیرد. بیشتر موقع در گفت و گویاردم بازیان پشتور صحبت میکرد و محبوبیت اوردمیان مردم باعث شدت امداد به دلیل شبات نام او بالام مراد، اورا «کاکامرا» «صدما بزن».

زنگ خطر برای تسو ناکامورا و همکارانش در ماه سپتامبر ۱۳۸۷ ابهه صدا در آمد. کازویا ایتوی ۳۱ ساله، متخصص کشاورزی که در بخش ساخت شبکه های آب برسانی یکجا با ناکامورا کار می کرد، روز شنبه، پنج سپتامبر همان سال با راندها شد ننگ هار ناپدید شد. هر چند نیروهای امنیتی اواخر همان روز گفته بودند که این متخصص جایانی رها شده، اما برخلاف آن گفته های اینجا رانده وی از سوی شبکه ای ایتو در لسوالی کوز کر پیدا شد. گروه طالبان این امداد رسان را به ضرب گوله کشته بودند؛ تسو ناکامورا اما دست از کار بر نداشت و فعالیت های امداد رسانی را ادامه داد که حاصل آن، اعمار دو مسجد و دو شفاخانه بود. ناکامورا حتا یک بار از سقوط ستون های پلی که در معرض خراب شدن قرار داشت، جلوگیری کرد.

وی در سال ۱۳۸۲ به دلیل خدماتی که انجام داد، جایزه «کرامون مگساسای» (را به دست آورد. این جایزه به پاس یک پارچه گی در حکمرانی، خدمت شجاعانه به مردم و آرمان گرایی عمل گرا در یک جامعه دموکراتیک) نام ریس جمهور پیشین فیلیپین مسما شده و جایزهای شیوه و همتای جایزه نوبل آسیا است. در سال ۱۳۹۲، ناکامورا این بار جایزه را در شهر خودش به دلیل اراده خدمات بی بدل، تصاحب کرد. وی بیست و چهارمین فری لقب گرفت که توانست «جاایزه بزرگ فوکو و کا» را به دست آورد. این جایزه توسط شهر فوکو و کاو بنیادین المللی شهر فوکو و کابرای ارج گزاری از کار بر جسته افراطی ایجاد فرنگ آسیایی تأسیس شده را به دست پیدا شد.

او در همان سال، جایزه کیکو چی کان «جاایزه های کیکو چی کان» که بیشتر به نویسنده گان و اهل هنر اهدا می شود «را به دست آورد. این جایزه از سوی مجله پاچی فوجای و اینجن تبلیغات ادیتی جایانی اهدا می شود. وی تهاسه سال بعد، نشان «سفراش طلوع خورشید» را از سوی حکومت جایان به دست آورد. این نشان از سوی یکی از امپاطورهای جایانی ایجاد شده و سالانه به افرادی اهدا می شود که در پیشرفت بهزیستی و محیط زیست و ارتقاء فرنگ نقش ارزنده ای ایفا کرده باشند.

خدمات تسو ناکامورا به جایی رسید که حکومت حدود دو ماه پیش به پاس ۳۰ سال خدمت، به وی «شهرنشی در کاره» معزوفی نماید. هوچی من، ادمیرال آر جینلو در کاره Bay of Along ملاقات اصرار ورزید که موافقنامه باشد قبل از فرستادن به پاریس اضافا شود (اگر خلیلزاد کارخانگی خود را بصورت صحیح تکمیل میکرد، به نمایندگان مقتدر کابل اصرار میورزید تا در جلسات داخل شوند و از ایشان امضای موافقت میگرفت، ممکن تا این حد تیز توتنه شده بودند. تمام پل های سنگی و آهنین را ویران ساخته بودند. خطوط تلگراف از بین برده شده و پایه های آن با سیم هایش مفقود اثر. در شهر تقریباً همه خانه ها به آتش کشیده شده بودند (همه اعمال شنیع و حالات زجردهنده که ذکر شد امروز در قرن ۲۱ از طرف طالب ظالم بر مردم مظلوم افغانستان با خشونت تام دوام دارد).

## مشابهت اوضاع ...

(این امر بر روش امریکا در قرن ۲۱ با افتخارات قویترین قوای نظامی جهان که ادعا دارند مصدق پیدا میکنند و به یک گروه تروریستی تسليم میشوند و با کشتار مرد در درب بگرام که دیروز رخداد، هنوز هم با طالب ظالم حرف از صلح میزند به عرض آنکه آنها را سرکوب نمایند) و به ایجاد موانع آغاز نمود. به اینصورت متصدی اداری فرانسه بضد ویت من و چیف ان شدن. ریفرندم کوچینجین را ادمیرال یک عمل تحمل ناپذیر و ضد آزادی آنها خواند و انحراف از وعده ها دانسته یک تحریک ناپسندیده به ضد حاکمیت فرانسه شمرد.

در روز ۱۴ مارچ وزیر «که اسم مکمل آن Marius Moutet» یک دیپلومات سویسیالیست فرانسوی و وزیر کالونی ها بود که از ۱۸۷۶-۱۹۶۸ م حیات داشت - اینترنت در پاریس تأیید نمود که کوچینجین یک دولت آزاد با قانون اساسی خواهد بود.

تا این وقت مردم آرام بودند، مردمانیکه به زور توسط ویت من تخلیه شده بودند به گروپ های خورد دوباره به خانه های خود برگشتد و لی بقا یای تخیریات گوریلا های ویت من از دور نمایان بود. آب نبود، روشنایی برق وجود نداشت، چند خانه اینجا و آنجا دیده میشد، فرنیچر کم پیدا بود و امکانات طبی به نظر نمی رسید. سر تا سر مملکت همه ویران شده بود. اگر منطقه کوچ نشینان کمتر ضرر دیده بود از خاطر اشغال عساکر فرانسوی بود. تخریبات در غرب «خارج از باور» بیان شده است. تمام سرک ها تخریب بود. به مسافت چندین کیلومتر سرک های قیرشده با سامان تیز توتنه شده بودند. تمام پل های سنگی و آهنین را ویران ساخته بودند. خطوط تلگراف از بین برده شده و پایه های آن با سیم هایش مفقود اثر. در شهر تقریباً همه خانه ها به آتش کشیده شده بودند (همه اعمال شنیع و حالات زجردهنده که ذکر شد امروز در قرن ۲۱ از طرف طالب ظالم بر مردم مظلوم افغانستان با خشونت تام دوام دارد).

در ۲۴ مارچ ۱۹۴۶ م Jean Sainteny یک سیاستمدار فرانسه که در اوایل جنگ جهانی دوم به ویت نام فرستاده شده بود تا تسلیمی قوای جایانی را بپذیرد و وظیفه داشت تا ویت نام را دوباره به هندوچین فرانسوی ملحق سازد، خواست هوچی من را به ادمیرال آر جینلو در کاره Bay of Along معرفی نماید. هوچی من، ادمیرال را یک انسان مؤبد و رفیق بافته بود. وی درین ملاقات اصرار ورزید که موافقنامه باشد قبل از فرستادن به پاریس آورد. این نشان از سوی یکی از امپاطورهای جایانی ایجاد شده بود که در حیطه ملکیت فیکرد، به نمایندگان مقتدر کابل اصرار میورزید تا در جلسات ناکام نمی بود. دور دیگر مذاکرات با همان میتوان ناکام و همان نماینده ناکام کم دوباره آغاز شده است) ولی ادمیرال موافقت نمکرده گفت: «باید از طرف دولت دعوت شوید تا به پاریس رفته بتوانید وهم فرانسه حاضر نیست پر ایامی را مورد بحث قرار دهد که تا هنوز روشن نیست» (دوراول مذاکرات طالب و امریکا هم ناکام شد).

کمونستها دفتر «خرانه مرکزی» باز نمودند تا برای دولت بول جمع نمایند: این امررا با ظالم و شکنجه از مردم بدست میآوردند (چهار کلاه های امیر عبدالرحمان خان متهم به این عمل شنیع اند) در ماه می ۱۹۴۶ م اطاق های زجر و شکنجه که در حیطه ملکیت Dōng Minh درینجا جایانی ها و فرانسوی های شکنجه میشدند و کشته میشدند (مانند زیر خانه های غرب کابل با سینه های بریده شده زنان، زیر چهارشنبه، ۴۰ بستر دولت، شکنجه خانه ششتر ک و شمشه تو و سینه شگه گلبدین و محاسی دیگران).

سر از اول سپتامبر ۱۹۴۶ م از نظر سیاسی، انقلاب، لازم دید تا احزاب سیاسی چون حزب استقلال که هنوز رسمی نشده بود، حزب نشنالیست طرفدار جایان مخصوصاً (Name Viet) ویت نام بین سالهای ۱۴۰۰- ۱۴۵۴ م باز بین سالهای ۱۴۲۸- ۱۴۶۰ بود) را غیرقانونی اعلام نموده لiderهای شان را محبوس ساختند. سینش رادیو را در Mai بتصرف در آوردن. همه وسایل طباعی و تاسیسات طباعی را با تمام کاغذ های شان را مسدود کردند (طالب بارها جینین کردند تا برای این طبق بود ضبط نمودند (طالب بارها جینین کردند تا برای این طبق بود ضبط نمودند که کام ایر باقی بماند).

کمیته مقدر مرکزی و پولیتیبوروی حزب تمام وسایل

معلوماتی را منحصر بخود ساخت. تیم ژورنالیستهای خود را که به روش مارکسیست بنویسند و پروپاگندهای کارگری و تهیجات به میان آورند، مقرر نمودند. در طرف چند هفته مانین قوی پروپاگنده آغاز و به راه آنداخته شد.

زنان عضو جمعیت اسلامی پاکستان بنام زنان تجارت پیشه افغانستان میخواهند از طریق مصاحبه های تلویزیونی آمدن طالب را به خیر مردم افغانستان معرفی سازند - (دبناهه در ستون سوم)

در مقدمه این بحث اهداف، مشکلات و حرص وطمع پاکستان در یگانه راه حیات آینده پاکستان) !  
 بیانید به پیروی حکم قرآن (اقتلوا المؤذن) قبل اینده ها) همین اینده و خیانت های پاکستان درین چهل سال پس است و ما به محظا پاکستان (جزیه به چهار بخش) متوصل شویم، بدون استفاده پیداوار پاکستان بخدا نمی میریم،

ناکامورا به فرهنگ مردم افغانستان احترام گذاشت، زبان پشتو را آموخت، لباس‌های مردم این کشور را پوشید، تابعیت افتخاری افغانستان را به دست آورد و شب و روز برای پیشرفت افغانستان تلاش کرد.»

شاه محمود میاخیل، والی ننگرهار می‌گوید حمله به تنسو ناکامورا، داکتر و امدادگر جپانی در خارج از افغانستان برناهاریزی شده است. او روز پنجشنبه ۱۴ قوس در حاشیه یک نشست خبری گفت دلیل این قتل نیز کارهای آقای ناکامورا در بخش مدیریت آب بوده است. آقای میاخیل، رویداد قتل آقای ناکامورا و همکارانش را (سیاسی) خواند و گفت شواهدی از دست داشتن استخبارات منطقه در این رویداد در دست دارند که به زودی با مردم شش بک خواهند کرد.

گفته می شود که شخصی بنام حضرت علی نوکر معروف پاکستان در زمان مجاهدین تقریباً تماهي دشت گمیری در جلال آباد را غصب کرده است. ناکومارا در طول زمان کارش روی سرسیزی این زمین ها کار کرده و آنها را از حالت غصب بیرون آورده و در خدمت مردم قرار داد. این باعث باز شدن یک دعوای دائمی بین ناکومارا و حضرت علی شده بود که احتمال زیاد قتل او بدست کسان این مرد غاصب و به دستور استخبارات پاکستان صورت گرفته است. در دنبال کردن این آدم کمپاین کنید! هکذا گفته می شود که قوماندان گل کریم برادر ناکومارا را ۹ سال بیش ده زمان کردی؛ ترو، نیمود

تتسو ناکامورا در پانزدهم سپتامبر ۱۹۴۶ در شهر فوکوکا کای جاپان به دنیا آمد. وی در بخش طبابت دانشگاه کیوشو، چهارمین دانشگاه تاریخی جاپان تحصیل کرد و در ۲۸ سالگی برای کمک به بیماران جذام وارد پاکستان شد؛ بیمارانی که بیش تر آنان را مهاجران افغان تشکیل می‌دادند. او سازمانی را به نام «پشاور کای» (یجاد کرد، اماته‌ها دوسران بعد، برای کمک به بیماران افغان، وارد جلال‌آباد شد و در سال ۱۹۹۱ سه درمانگاه را بنانهداد. از آن‌جا بود که ناکامورا این بار اساس سازمان غیردولتی (سازمان پژوهشی صلح جاپان (PMS) را گذاشت و کارش به عنوان مددسان را با شعار «برای درخشش نور به گوشه‌های تاریک «آغاز کرد.

طی سال‌ها خدمت در کشور، ناکامورا بیش از ۱۰ درمانگاه بیماری جذام و سهولت‌های صحی برای پناهندگان را اداره می‌کرد. این داکتر جاپانی هم‌زمان با خشکسالی‌های اوایل ۹۰ میلادی، پی‌برد که افغان‌ها بیشتر برای زنده ماندن می‌جنگند. او به همین دلیل کار حفر چاه‌های آب و عمران شبکه‌های آبرسانی را در ولایت ننگرهار آغاز کرد. ناکامورا در آستانه گفت که احداث یک شبکه آبرسانی از عملکرد ۱۰۰ داکتر بهتر است. در کلیپ تصویری که توسط شبکه ملی جاپان از جریان گفت‌وگویی با مردم محل گرفته شده، پروفیسر ناکامورا به زبان پشتومیگوید: «بینید که برای مردم آب نیست، پول نیست و خوارک نیست. اول زندگی به درد می‌خورد. سلاح به درد ننمی‌خورد، این روش من است که این گونه کمک‌ها را در آینده

نام کامورا با اعمار و بازسازی هشت شبکه آبرسانی به نام «مروارید» در اولین سال‌های سده بیست و یکم در ننگرهار، زمینه را برای دهقانان مساعد کرد تا از زمین‌هایی که زمانی خشک بود، حاصل بگیرند. این شبکه ۲۴ کیلومتری در یکی از ولسوالی‌ها ادامه یافته و ۱۱ متر عرض دارد. نام کامورا علاوه بر حل مشکلات خوراکی باشندگان این ولسوالی، سرسیزی خاصی به این محله بپخشید. شبکه آبرسانی مروارید، می‌تواند بیش از ۱۶ هزار هکتار زمین را آبیاری کند. سازمان غیردولتی زیر نظر پروفیسور نام کامورا سال گذشته دومین قرارداد کار برای اعمار بخش دوم این کanal را با قیمت دو میلیون دالر با حکومت امضا کرد که بر اساس آن، صدها شهروند ننگرهاری کار می‌بافتند و زمینه ساخت و ساز شبکه‌های آبرسانی، پل‌ها و پلچک‌ها فراهم می‌شد. نام کامورا می‌خواست پس از سرسیزی ۱۶ هزار هکتار زمین در بخش اول این پروژه، روند سرسیزی همیشه بهار را در بخش دوم ادامه دهد، اما زنده‌گی برایش امان نداد. او علاوه بر این، در اعمار مسجد و مدرسه نیز کمک می‌کرد. (دنباله درصفحه هفت)

و در ردیف منافع ملی شان تعریف می‌شود، جنگ آینده در کشورهای جهان روی مسئله‌آب است، امریکا از حالا مشکل کمبود آب و نزاع‌های برخاسته از آنرا منافی امنیت ملی خود فلیمداد کرده است.

آیا موضوع آب بین افغانستان و پاکستان قابل حل است؟

این در حالیست که ۸۰٪ مردم افغانستان به آب آشامیدنی صحی دسترسی ندارند. اگر افغانستان تلاش کند که سدهای بزرگ پیشتری بسازد و مالکیت بخش بزرگتری از منابع آب خود را در دست بگیرد، مسلماً ایران و پاکستان از طرق مختلف ( ترور توطه ها ،استخدام جنگجویان نوکر ) و از جمله اعتراض های دیپلماتیک خواهد کوشید اجرای چنین طرح هایی را مختل کنند یا به تعویق بیندازنند. با توجه به این که هم بودجه و هم مجریان چنین طرح های ساختمنی بزرگی از خارج تامین می شوند، کارشنکی های ایران و پاکستان به طور جدی می توانند این طرح را مختل کنند.

هفتنه نامه «تایم» در مقدمه مطلبی پیرامون تلاش دو کشور ایران و پاکستان برای ادامه بهره‌برداری از منابع آبی که از افغانستان سرچشمه می‌گیرند صحنه تکان‌هنده قتل فرمانده یک واحد شبه نظامی توسط شورشیان را شرح می‌دهد که وظیفه وی و نفرات تحت فرمان او حفاظت از ساختمان در حال احداث سد ماجالقو در ولایت پکتیا واقع در شرق افغانستان بوده است. در ویدئویی که اواسط سال جاری میلادی روی وبسایت یوتیوب منتشر شد صحنه به اصطلاح اعدام خان ولی، مسئول نگهبانان سد، به دست گروهی از جنگجویان شورشی افغان (طالبان) ثبت شده است که در عقب این جنایت مقامات پاکستانی قرار دارد.

## به قتل رسیدن داکتر تتسو ناکامورا

از خاطرات ناکامورا می‌گویند: «زمانی که ساعت ۴ عصر می‌شد، کارگران افغان به ناکامورا می‌گفتند: کاکامراد وقت پوره شد، باید کار را اس کنیم. ناکامورا در جواب شان می‌گفت: تا حال برای پول کار کردید، یک ساعت برای وطن تان کار کنید!» او می‌گفت توجه به وضع زراعت و آب، هجوم مردم را به طرف کلینیک‌ها و شفاخانه‌ها کم می‌سازد. او پروره‌های زیادی را در کشور افغانستان به ثمر رساند که منجمله ۱- ایجاد ۵ باغ زیتون، ۲- ایجاد ۵۷۰ هکتار که همه محصول انار، هل، زردآلو و خرما به مساحت ۵۷۰ هکتار که همه محصول میدهند و به خارج هم صادر می‌شود. ۳- ایجاد مرکز درمانی در زمان حاکمیت طالبان تا الان با ۷۰۰ کارمند و خدمات رایگان صحی. ۴- احداث یک کانال آبیاری به طول ۲۵ کیلومتر، ۵- احداث خوابگاه، ۶- احداث یک مدرسه با ظرفیت ۸۰۰ دانش‌آموز، ۷- احداث یک مزرعه و باغ زیبا و جذاب دشت گمبیری گزار، ۸- کانال‌های مدرن آبیاری در ۵۷۰ هکتار ولایت ننگرهار و ۹- زمین باع میوه. در تمام همین بخشها خودش یامدیر بوده یاراننده زمین باع میوه. در تمام همین بخشها خودش یامدیر بوده یاراننده لودر، یادا تکر صحی یا هم کارگرساده یا هم سر کارگر.....

بصورت عموم نتیجه کارها و خدمات این مرد بزرگ به  
افغانستان و ننگرهار:  
فیض الله عابد

## حفر عما چاه عمیق

فرهمن ساختن اب اسامیدنی برای ۵۰۰۰۰ هزار تن  
آبیاری ۸۲۵۰۰ جریب زمین  
ایجاد یازده سریند و کانال  
ساخت دو مسجد و دو شفاخانه

مهار کردن آب دریای کمر از رفتن به پاکستان تمامی هزینه های این خدمات را در جریان ۳۰ سال از مردم جایان جمع آوری و به ننگرهار به مصرف رسانید و در نهایت مزدش را با تاجوانمردی چند تروریست گرفت ولی این تروریستان اجیر پاکستان اند که بیشتر ازین حوصلهء پیشرفت زراعت و مدیریت آب ها را در افغانستان نداشته و ندارند.

سربندهای وسیعی کامه و سوالی خیوه که هزاران جریب زمین را با استفاده از آن آبیاری می‌شوند نیز توسط آقای ناکامو، راساخته شده است.

چندی پیش از سوی محمد اشرف غنی رئیس جمهوری افغانستان به پاس خدمات او برایش تابعیت افتخاری این کشور نیز داده شد.

شعار استراتیژیک پاکستان اینست که ((افغانستان باید  
بسوزد و بمیرد تا پاکستان زنده بماند))  
ح ای باک تانه ته بخواهی همراه خواهی هم ادانته باز نکار

پژوا، پا کتسان به هجار، مواد خام، صادرات بزار کار ضرورت دارد، با هند دشمن بزرگش این هدف میسر نیست، چین خود کشور صادراتی و اقتصاد بزرگ دارد، یگانه امید افغانستان است که با سوختاندن آن و غصب آن، همه صادرات زراعتی، صنایع ناکارآمد خود را روانه بازارش کرده، با تراکم نفوش بازار کار وسیع در سرزمین های دست ناخورده افغانستان حاصل کرده مواد خام آنرا تصاحب و از طریق این کشور به بازار های بزرگ آسیای میانه راه یابد.

شرح فشار، قسوات ها، دشمنی ها، مداخلات، تحریبات و  
توطئه های پاکستان صد کتاب میشود که حتی نویسنده‌گان  
پاکستانی هم به آن اعتراف دارند.

در همین سال پاکستان سه میلیارد دالر کسر مالیات و یازده میلیارد دالر کسر بودجه دارد، ۴۰٪ کاهش حجم تجارت با افغانستان باز شدن راه های تجارتی افغانستان با سائر همسایگان خصوصاً استفاده از بندر شاه بهار ایران که ۶۰٪ صادرات و واردات از آن طریق استفاده میشود، نمونتاً از ۲۷۰ آسیای تولیدآرد در شهر پشاور ۴۰ آسیاب باقیمانده و به اساس منابع خبری بین المللی پاکستان با دوصد میلیون نفووس، ششمین کشور پر جمعیت جهان به مشکل کمبود آب قرار دارد.

۴۸ ملیون متر مکعب آب تولیدی پاکستان تنها برای پانزده روز آب ذخیره دارد (که حداقل برای ۱۲۰ روز باشد) و احتمال خشکسالی بزرگ بعد از سال ۲۰۲۵ وجود دارد که در سال ۲۰۴۰ یعنی ۲۰ سال بعد، کمبود آب وضع بحرانی می‌گیرد و اگر مشکل کمبود آب در پاکستان حل نشود آهالی آجات از مناطق خود کوچ می‌کنند، همین حالا به قرار خبر میدیای پاکستان مهاجرت جوانان به خارج شدت حاصل کرده است.

همین حالا ایران و پاکستان از ۷۵٪ منابع آبی افغانستان استفاده می‌کنند و افغانستان تنها از ۲۵٪ منابع آبی خود بهره می‌برد، از ۲۵ رود جاری در افغانستان و بارانهای سالانه میزان آب ۱۶۳ میلیارد مکعب است، چون افغانستان تدارکات ۳۲ بند ذخیره‌بزرگ و ده ها بند کوچک را بمنظور آبیاری، برق و ذخیره آب در نظر دارد این موضوع زنگ خطری منجمله برای پاکستان است. آبهای افغانستان از طریق رودخانه‌های گلهار، پنجشیر، کابل، لوگر، علی‌شنبک و علینگار و آبهای کنر همه به پاکستان سرازیز می‌شود.

اخيراً دولت افغانستان اعلام کرد که به زودی کار ساخت سد شاتوت در مسیر دریای کابل با هزینه ۲۳۶ میلیون دلار آغاز می گردد. انتظار می رود این سد ۱۴۶ میلیون مترمکعب آب آشامیدنی برای ۲ میلیون از جمعیت کابل را فراهم کند و آب کشاورزی ۴۰۰ هکتار از زمین های ولسوالی چهارآسیاب این ولایت را فراهم کند. این پروژه بخشی از پلان های جاه طلبانه افغانستان با حمایت هند برای ساخت ۱۲ سد بر روی بستر دریای کابل است.

تحمیل زده می شود که احداث سدی جدید در مسیر دریای کابل موجب کاهش ۱۱-۸ درصدی جریان آب ورودی سد ورسک شود. بنابراین، این کاهش جریان میتواند بر توسعه اجتماعی-اقتصادی منطقه خیر پختونخوا تاثیر منفی داشته باشد و موجب بروز آشوب اجتماعی گردد.

وقتی تروریسم با تلقیقی از سلفیسم عربی و رادیکالیسم جهانی از آدرس پاکستان زیرساختهای امنیتی را در کشور نشانه می‌گیرد، یا زمانی که اندیشه‌های هلال شیعی از آدرس ایران دست به اغواگری می‌زند و شکاف‌های قومی مذهبی و طبقاتی را بیشتر می‌سازد، یا زمانی که افغانستان در آتش جنگ سه مرحله‌ای مبارزه با تروریسم، ایجاد دموکراسی و تحقق صلح در اوج فاسدترین و ناامن‌ترین کشورها در گراف جهانی قرار می‌گیرد، نشان دهنده آن است که کشورهایی که پتانسیل مداخله در امور کشور را جزو اهداف راهبردی شان در کشور می‌دانند، طبیعی است که دنیا نفت نیستند تا سناریوی لبیا و عراق تکرار شود، بلکه به دنیا آب اند که افغانستان در حال حاضر توانایی مدیریت منابع آبی اش را ندارد و تداوم ناامنی نشانه آن است که بیش از ۷۶ درصد آب مفت برای ایران و باکستان ارزش بالاتر از نفت دارد.